



مریم رجوی

ایران در آستانه انقلاب

می‌توان و باید

ما آمده‌ایم که امیدها و باورها را شکوفا کنیم،
تا دیوار اختناق درهم بشکند،
تا راه سرنگونی استبداد دینی گشوده شود.
تا آزادی و جمهوری و دموکراسی و برابری
در ایران زمین بر پا شود.
ما رسالت بزرگ خود را که انتقال حاکمیت
به جمهور مردم ایران است
— به هر قیمت — به پیروزی می‌رسانیم.
آری صبح نزدیک است.

مریم رجوی



National Council of Resistance of Iran

NCRI



ایران در آستانهٔ انقلاب

می‌توان و باید

گزیدهٔ پیام‌ها و سخنرانی‌های مریم رجوی

اردیبهشت تا مرداد ۱۴۰۱

فهرست مطالب

کاهش مقاومت و ارتش آزادی- ایران در آستانه انقلاب	صفحه ۴
کاهش مقاومت و ارتش آزادی - حلقه مفقوده در سیاست دولتهای غرب.....	صفحه ۲۱
پیام مریم رجوی به تظاهرات کاهش ایران آزاد در برلین	صفحه ۳۱
گرامی داشت قیام ۳۰ تیر	صفحه ۴۳
اجلاس شورای ملی مقاومت ایران	صفحه ۵۱
کارزار جهانی علیه معاهده ننگین دولت بلژیک و رژیم آخوندی	صفحه ۶۹
کارزار ایرانیان آزاده در سوئد	صفحه ۸۱
دیدار مایک پمپئو از اشرف ۳	صفحه ۹۹
دیدار مایک پنس از اشرف ۳	صفحه ۱۱۱
دیدار پروفیسور ریچارد رابرتس از اشرف ۳	صفحه ۱۲۷

ایران در آستانه انقلاب

می توان و باید

گزیده پیامها و سخنرانیهای مریم رجوی

اردیبهشت تا مرداد ۱۴۰۱

تاریخ انتشار: مهر ۱۴۰۱

شماره ثبت: ۶-۰۸-۴۹۱۶۱۵-۲-۹۷۸

انتشارات شورای ملی مقاومت ایران

کھکشان مقاومت و ارتش آزادی

اجلاس جهانی ایران آزاد ۲۰۲۲، با شرکت هموطنان و شخصیت‌های سیاسی از ۱۰۱ کشور جهان برگزار شد.

در این اجلاس، با حضور و سخنرانی مریم رجوی، شمار کثیری از مقامات سیاسی از جمله: دو تن از رؤسای جمهور سابق، ۹ تن از نخست وزیران و ۳ رئیس پارلمان، مشاوران امنیت ملی و ۲۹ وزیر پیشین از کشورهای مختلف. ۷۹ قانون‌گذار از کشورهای اروپایی، عربی و کانادا، ده‌ها تن از مقامات پیشین آمریکا و شخصیت‌های سیاسی از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند و بسیاری از آنان سخنرانی کردند. همچنین ۴۲ سناتور و نماینده کنگره آمریکا، پیام‌های ویدئویی در حمایت از این اجلاس ارسال کردند. در آغاز این اجلاس، خانم مریم رجوی طی سخنانی به تشریح وضعیت رژیم آخوندی و جامعه ایران در آستانه انقلاب پرداخت.



ایران در آستانه انقلاب



می‌توان و باید

سلام و درود به هموطنان عزیزم در سراسر ایران،
به کانون‌های شورشی و به شما اشرف‌نشان‌ها و حامیان مقاومت در ایران و سراسر جهان در
گردهمایی ایران آزاد!
ایران آزاد که به‌پیشوازش آمده‌اید، در شعله‌های فروزان قیام‌ها، در کوران شکست‌های رژیم
ولایت فقیه و در اعتلای جایگزین دموکراتیک در حال قدبرافراشتن است.
در یک سال گذشته، جبهه مردم ایران با تداوم قیام‌ها و اعتراض‌ها در سراسر ایران، با درخشش
عملیات و کارزارهای اختناق‌شکن کانون‌های شورشی در پنجمین مؤسسان ارتش بزرگ آزادی،
و پیشروی مقاومت ایران در عرصه اجتماعی، سیاسی، حقوقی و بین‌المللی، برجسته و ممتاز
می‌شود.

نتیجه معکوس انتصاب رئیسی

امروز می‌خواهم در یک نگاه وسیع‌تر به جبهه دشمنان مردم ایران بپردازم که به‌روشنی دوران
پایانی رژیم را نشان می‌دهد:
انتصاب رئیسی به‌عنوان رئیس‌جمهور رژیم و کاندیدای جانشینی خامنه‌ای، که خامنه‌ای آن
را نخستین و مهم‌ترین شیرینی سال گذشته در نمایش انتخابات رژیم توصیف کرد، نتیجه
معکوس داد.
آخوند روحانی علاوه بر سرکوب که همیشه برای آخوندها نقش کلیدی و تعیین‌کننده دارد،
راه حل مشکلات و بحران‌ها حتی بی‌آبی را در برجام می‌دانست و از این طریق از خامنه‌ای
می‌خواست که سهم بیشتری از قدرت به او بدهد.
اما خامنه‌ای که حفظ رژیم و هژمونی خودش بالاترین خط قرمز اوست، می‌داند که کمترین
شکاف در این زمینه به کجا می‌انجامد. بنابراین راه حل را در یک‌دست‌کردن رژیم‌اش می‌دانست.
او با بازی موش و گربه در موضوع هسته‌یی تا رسیدن به بمب اتم به عنوان ضامن بقای
دیکتاتوری دینی مذاکرات را کش می‌دهد.
خامنه‌ای دو سال بود از «دولت جوان حزب‌اللهی» صحبت می‌کرد و آن را راه حل بحران‌های
داخلی و خارجی رژیم‌اش می‌دانست. اما دولت مورد نظر خامنه‌ای از راه نرسیده در گل فرو رفت.

در یک سال گذشته علاوه بر قیام‌های سراسری، معلمان ایران، ۱۷ رشته اعتراض و خیزش داشتند و بازنشستگان ۱۵ بار به‌طور سراسری به میدان آمده‌اند.

- معلمان فریاد می‌زنند: جنبش فرهنگیان آماده قیام است،

- بازنشسته‌های به‌پاخاسته می‌گویند: تا کی سرافکندگی یا مرگ یا زندگی،

- کشاورزان اصفهان شعار می‌دهند: این همه لشکر آمده به جنگ رهبر آمده،

- آبادانی‌های داغدار و عاصی می‌خروشدند: مرگ بر رئیسی و قیام‌کنندگان تهران فریاد زدند که: «توپ، تانک، فشفشه - خامنه‌ای کشته شه».

بله این صدا، صدای ایران است و چنان چه مسعود گفت: ایران زمین با خلق اسیرش به‌پاخاسته و صبح نزدیک است. حالا حتی سپاه پاسداران، یعنی تکیه‌گاه و ستون خیمه ولایت فقیه، دستخوش تغییرات و لرزش و تکان‌های چشمگیر شده است.

شکست استراتژی انقباضی خامنه‌ای همین است که به‌جای یکپارچگی و انسجام، قانقاریای تضاد و تفرقه و تعارض را خیلی بیشتر به‌جان رژیم انداخته است. در دیکتاتوری موریانه‌خوردۀ آخوندی، خامنه‌ای حالا به‌فرماندهان کلیدی سپاه و حتی لشکر حفاظت خودش بی‌اعتماد شده است.

جانشین نماینده خامنه‌ای در سپاه گفته است: «اجازه نمی‌دهیم ویروس و موریانه وارد مجموعه سپاه شود» و سرکرده کل سپاه پاسداران گفته است: «دشمن می‌خواهد ما را از درون تهی کند و این خطرناک‌ترین نوع تهاجم است».

نه فقط راه حل نبود، بلکه مزید بر علت شد و به‌طور جدی بر مشکلات رژیم و بحران‌های آن افزود. به نقطه انگیزش قیام‌ها ارتقا یافت و شعار مرگ بر رئیسی، شعار فراگیر جنبش اعتراضی شد.

قاتل مجاهدین آمده بود راه مجاهدین را سد کند، اما در برابر اعتلای کارزارهای این جنبش و کانون‌های شورشی در چارچوب قیام‌های مردم ایران مات شد.

در یک کلام، آوردن رئیسی که قرار بود پروژه بقای رژیم باشد، دکل سرنگونی حکومت ولایت فقیه را ظاهر کرد و به‌قول مسعود «بارزترین شاخص دوران سرنگونی این رژیم» شد.

آیا ایران در آستانه انقلاب و سرنگونی رژیم است؟

بنابراین سؤال اصلی در نگاه‌کردن به مسأله ایران، و منطقی‌ترین سؤال که بقیه سؤالات زیرمجموعه آن است، این است که: آیا به‌واقع ایران در آستانه انقلاب و سرنگونی رژیم آخوندها هست یا نیست؟

آیا ما واقعاً در این باره درست می‌گوییم یا مبالغه می‌کنیم؟

سردمداران رژیم می‌گویند این سیاه‌نمایی است. اما به مردم و اعتراض‌ها و شعارهایشان که نگاه کنیم، بطلان حرف‌های خامنه‌ای و رئیسی ثابت می‌شود.

یک نگاه به چهره شهرهای ایران و خیزش‌های دائمی میلیون‌ها بازنشسته و معلم و کارگر و پرستار و عموم مردم به‌جان آمده از گرانی و تورم، روشن می‌کند که هیچ سیاه‌نمایی و مبالغه‌یی در کار نیست. از قضا وضعیت رژیم سیاه‌تر از گزارش‌های مطبوعات و رسانه‌هاست.



قدرت انفجاری مردم ایران از بمب اتمی هم بسا بیشتر است. اما اگر از دست‌یابی به بمب هسته‌یی عقب‌نشینی کند، زهر هلاک‌ی را به گلوی رژیم می‌ریزد که روند سرنگونی را شتاب می‌دهد.

بله، «بت خدا»ی شما، که همان بت‌خدای شلاق و اعدام و چپاول و قتل‌عام است، البته همان است که بود. اما از آن سال تا امسال مردم و مقاومت ما برای به‌دست آوردن آزادی هزار بار مصمم‌تر و آبدیده‌تر شده‌اند و خدای خلق قهرمان ایران، نابودی شما را اراده کرده است.

خطاب به شما دشمنان مردم ایران می‌گویم: خیلی خوب است که جنگ داخلی و رویارویی با مجاهدین را در سال ۶۰ از یاد نبرده‌اید. اما خوب است که فروغ جاویدان و پیشروی ارتش آزادی‌بخش تا دروازه کرمانشاه را هم پیوسته در نظر داشته باشید، هم‌چنین عاشورای سال ۸۸ را که قیام‌کنندگان رزم‌آور و مجاهد تا نزدیکی بیت‌العنکبوت رسیدند، هرگز از یاد نبرید. هیچ روزی هم از کابوس قیام ۹۸ بیرون نیایید.

ضمناً می‌توانید هر روز با یک دور تسبیح ریایی به‌تعداد دفعاتی که از سرنگونی جان به‌در برده‌اید، بت‌خدای شکنجه‌گر خود را شکر کنید. اما مردم ما کافی است فقط یک بار به پیروزی برسند. و آن روز دیگر اثری از رژیم ولایت فقیه باقی نخواهد ماند.

بن بست اتمی رژیم

پروژه رئیسی جلاد که خامنه‌ای حل‌المسائل خود را در آن جستجو می‌کرد، شکست خورد. کانون‌های شورشی و استراتژی هزار اشرف تثبیت شد.

دسیسه وزارت بدنام در ماجرای دستگیری یکی از دژخیمان قتل‌عام در سوئد برای هویت‌زدایی و مصادره جنبش دادخواهی با همان الگوی سرقت انقلاب ضد سلطنتی؛ شکست خورد و بر سر کل رژیم آوار شد و جهانیان دیدند که یکی از قاتلین مجاهدین و مبارزین به اشد مجازات محکوم شد.

به آن‌ها می‌گوییم: خیر اشتباه می‌کنید آن‌چه مردم و مقاومت ایران به‌دنبال آن هستند، انهدام کامل سپاه پاسداران به‌عنوان یگانه راه برای تحقق سرنگونی رژیم ولایت فقیه است.

حال زار و نزار سپاه پاسداران این است: یک اختاپوس و هیولای خون‌آشام که در باتلاق جنایت‌های ۴۰ ساله گرفتار شده، اما کماکان با تمام امکانات و توان سد راه آزادی مردم ایران است.

راستی چاره کار چیست؟ چاره کار یکی است و جز این نیست: انهدام و انحلال قطعی سپاه پاسداران با قیام‌ها و ارتش بزرگ آزادی مردم ایران. با شهرهای شورشی و کانون‌های شورشی و با حمایت مردم به‌پاخاسته از اقشار گوناگون که خیزش‌های آن‌ها به رژیم امان نمی‌دهد.

کانون‌های شورشی و کارزار ضد اختناق

کانون‌های شورشی از ۳۰ خرداد سال ۱۴۰۰ تا ۳۰ خرداد امسال برای هموار کردن راه قیام‌ها بیش از ۲۳۵۰ کارزار ضد اختناق را در سراسر ایران انجام دادند که ۸۵ درصد آن موفق بوده است. اسامی و مشخصات دستگیرشدگان توسط دوستان یا خانواده‌های آن‌ها به مراجع بین‌المللی داده شده است.

می‌گویند سپاه پاسداران با ترسیم نقشه یکایک شهرها تلاش می‌کند مناطق قیام‌خیز و مناطق حامی مجاهدین را تشخیص دهد. به آن‌ها می‌گوییم خود را خسته نکنید. مراکز قیام‌خیز و نقاط جوشش بی‌وقفه کانون شورشی، تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها در سراسر شهرهای ایران است.

یک ماه پیش، خامنه‌ای به جلادان قضاییه دلداری می‌داد که همان طور که در سال ۶۰ در برابر جنگ مجاهدین در تهران دوام آوردند، امسال را هم سپری می‌کنند و به گفته او «خداوند سال ۱۴۰۱ همان خداوند سال ۱۳۶۰ است».



آن‌چه مردم و مقاومت ایران به‌دنبال آن هستند،
انهدام کامل سپاه پاسداران به‌عنوان یگانه راه برای
تحقق سرنگونی رژیم ولایت فقیه است.

از آن‌ها پرسید با کدامیک موافقت؟ انحلال سپاه پاسداران یا همدستی با آن؟ پرسید که آیا جنایت‌ها و اعدام‌ها و سرکوب دیکتاتوری سلطنتی را محکوم می‌کنند و از آن فاصله می‌گیرند یا خیر؟

هم‌چنین از هر کس که ادعای جایگزینی و آلترناتیو موروئی و غیر موروئی دارد باید پرسید تا به حال چه می‌کرد و پرونده و سابقه سیاسی و مبارزاتی او چیست؟ چه بهایی داده؟ چه چیز را فدای آزادی کرده و چه قیمتی برای آن داده و می‌دهد؟

یکی افتخارش این است که ریزشی رژیم است. دیگری مفتخر است که سابقاً اصلاح‌طلب قلابی بوده یا از تحکیم وحدت اخراج‌اش کرده‌اند. و سومی مدعی است که او آن است که خون پدر و پدر بزرگ دیکتاتور و قاتل در رگ او جاری است. شعارشان بازگشت به دیکتاتوری سلطنتی است در عین حال سرخ‌هایشان در خیابان پاسداران یا خیابان پاستور است.

بله، عجز و ناامیدی ترویج می‌کنند، حاصل خون و رنج صدساله را که در مجاهدین و جایگزین دموکراتیک شورای ملی مقاومت ذخیره شده، نادیده می‌گیرند تا ادامه رژیم ولایت فقیه را توجیه کنند.

اما رو در روی آن‌ها رسالت تاریخی و اجتماعی نسلی قرار دارد که از ۳۰ خرداد سال ۶۰، قیمت ایستادن بر سر موضع خود را با کهنکشان شهیدان‌اش پرداخته است و قتل‌عام زندانیان‌اش در سال ۱۳۶۷ فقط یک فقره آن است.

در نبرد با فاشیسم دینی، از آزمایش‌های سخت و بغرنج با سلسله‌یی از حمام‌های خون عبور کرده است و آری این نسل از مسعود آموخته است که بن‌بست‌ها را با فدا و پرداخت‌های هر چه بیشتر درهم بشکند. و غیرممکن‌ها را با عزم صدبرابر ممکن کرده و پیروزی بیافریند.

در موضوع اتمی هم، خامنه‌ای نمی‌تواند خود را از دور باطل برجام بیرون بکشد. در بن‌بست کامل است و از هر طرف که برود بازنده نخستین است. و اگر به سیاست هجده ماه اخیر ادامه دهد، در سرانجام سرنگونی است. حالا دیگر با رئیسی وارد مرحله‌یی شده‌ایم که حتی بمب اتمی هم نمی‌تواند این رژیم را نجات بدهد. قدرت انفجاری مردم ایران از بمب اتمی هم بسا بیشتر است. اما اگر از دست‌یابی به بمب هسته‌یی عقب‌نشینی کند، زهر هلاک‌ی را به گلولی رژیم می‌ریزد که روند سرنگونی را شتاب می‌دهد.

به‌آخوندها می‌گوییم از هر راهی که می‌خواهید بروید، بروید زودتر هم بروید؛ در هر حال قیام و سرنگونی در انتظار شماست.

فقط توصیه می‌کنیم که هوای تیم مذاکره‌کننده خودتان را داشته باشید و چند نماینده ولی فقیه و گله‌یی پاسدار از حفاظت اطلاعات با آن‌ها همراه کنید تا ناچار نشوید مثل تیم‌های قبلی به جرم جاسوسی آن‌ها را دستگیر و زندانی کنید.

حرف بازیگران حال و گذشته

اگر ایران به‌واقع در آستانه انقلاب و سرنگونی است، بگذارید ببینیم بازیگران حال و گذشته چه می‌گویند، و مهم‌تر از آن آینده چگونه رقم خواهد خورد؟

شیخ می‌گوید: نمی‌توان و نباید سرنگون کرد، شاه می‌گوید مرا هم که سرنگون کردید، اشتباه کردید. بیهوده دنبال دموکراسی و حقوق بشر به‌جز در لفاظی‌ها، نگردید! آری، هدف، پاسیو کردن و به‌انحراف کشاندن قیام‌ها و تفرقه‌اندازی است. بنابراین باید از هر کس و هر گروه برای روشن‌شدن ماهیت‌شان پرسید:

بالاخره سرنگونی تمامیت رژیم ولایت فقیه آری یا خیر؟



در یک کلام، آوردن رئیسی که قرار بود پروژه بقای رژیم باشد، دکل سرنگونی حکومت ولایت فقیه را ظاهر کرد و به‌قول مسعود «بارزترین شاخص دوران سرنگونی این رژیم» شد.



چاره کار یکی است و جز این نیست: انهدام و انحلال قطعی سپاه پاسداران با قیام‌ها و ارتش بزرگ آزادی مردم ایران. با شهرهای شورشی و کانون‌های شورشی و با حمایت مردم به‌پاخاسته از افسار گوناگون که خیزش‌های آن‌ها به رژیم امان نمی‌دهد.



تجربه مقاومت اوکراین

حالا نمونه اوکراین در مقابل ماست. ۵ ماه پر از آتش و خون گذشته است. همه می‌بینند که تاریخ ۷۷ ساله بعد از جنگ جهانی دوم ورق خورده و مردم و نمایندگان و رهبری این کشور با احیای سنت فدا و پرداخت بها به آموزگار اروپا تبدیل شده‌اند.

ارزش‌های انسانی و آرمانی که روی آن‌ها خاک پاشیده شده بود، یکی بعد از دیگری احیا می‌شود. شورشگران امروز در اوکراین سازندگان تاریخ فردا هستند. هیچ‌کس از یاد نخواهد برد که آن‌ها سلاح به‌دست گرفتند و جنگیدند و مقاومت خود را فارغ از نتیجه کوتاه مدت، هر چه می‌خواهد باشد، جاودانه کردند. برای آن‌ها و هیأت اوکراین که در این جاست برمی‌خیزیم و کف می‌زنیم.

می‌توان و باید

حالا یک لحظه تصور کنیم که اگر مقاومت اوکراین نبود و اگر آن‌ها بر نمی‌خاستند و نمی‌ایستادند چه می‌شد؟ و سرنوشت خودشان و سرنوشت اروپا چگونه رقم می‌خورد؟

این همان سؤالی است که مقاومت ما نیز، از ۴۰ سال پیش با آن روبه‌رو بوده است. راز مقاومت ما هم عشق و پرداخت‌گری است، عشق به آزادی و رهایی مردم ایران. این سرچشمه قدرت لایزال انسان است. ایمان به پیروزی از این‌جا بر می‌خیزد. از این جاست که قدرت تهاجم به اختناق و سرکوب در رگان تمام خلق جاری می‌شود.

میلیون میلیون مردم ستمزده، شلاق خورده و غارت‌شده را به‌حق‌طلبی و دادخواهی برمی‌انگیزد و شیخ فرتوت و فرسوده را با خیل پاسداران و جانیانش دچار ضعف و ریزش و اضمحلال می‌کند.

با چنین ایمانی است که شما مجاهدین و مبارزین و شورشگران و اشرف‌نشان‌ها می‌توانید ماشین سرکوب و کشتار فاشیسم مذهبی را به زانو درآورید و می‌توان و باید پرچم آزادی و حاکمیت جمهور مردم را بر بلندای این میهن برافراشت.

راستی آیا «می‌توان و باید» یک شعار و یک ادعاست یا واقعیت پیدا می‌کند؟ آیا مختص نخبگان است یا مختص انتخاب‌گران؟



WE MUST AND WE CAN RAISE
THE FLAG OF PEOPLE'S FREEDOM
AND SOVEREIGNTY IN IRAN

ما آمده‌ایم که امیدها و باورها را شکوفا کنیم، تا دیوار اختناق درهم بشکند، تا راه سرنگونی استبداد دینی گشوده شود. تا آزادی و جمهوری و دموکراسی و برابری در ایران زمین بر پا شود. ما رسالت بزرگ خود را که انتقال حاکمیت به‌جمهور مردم ایران است، به‌هر قیمت به‌پیروزی می‌رسانیم.

سخنرانی مریم رجوی

در اجتماع گروهی از شخصیت‌های سیاسی و بین‌المللی



از این‌جا در هر کجا و در ایران ستم‌زده که صدای مرا می‌شنوید می‌پرسم:
آیا شما جزو انتخاب‌کنندگان این مسیر و این راه و رسم‌هایی‌بخش هستید و قیمت آن را
می‌دهید؟

آری آری می‌توان و باید از آزادی ایران سرود
می‌توان با آرمانی بی‌غروب
قلعه شب‌گستران را تا ابد ویران نمود
می‌توان و باید از آزادی ایران سرود

ما آمده‌ایم که امیدها و باورها را شکوفا کنیم، تا دیوار اختناق درهم بشکند، تا راه سرنگونی
استبداد دینی گشوده شود. تا آزادی و جمهوری و دموکراسی و برابری در ایران‌زمین بر پا شود.
ما رسالت بزرگ خود را که انتقال حاکمیت به‌جمهور مردم ایران است - به‌هر قیمت - به‌پیروزی
می‌رسانیم.
آری صبح نزدیک است.

ای فتاده به زنجیر ایام
یک جهش مانده تا بر کنی دام
یک قدم مانده، یک خیز، یک گام

عموم هموطنان به‌ویژه جوانان دلیر را به حمایت از کانون‌ها و شهرهای شورشی و مردم
به‌پاخاسته فرامی‌خوانیم و از جهان می‌خواهیم، که نبرد شورشگران با سپاه تروریستی پاسداران
برای سرنگونی استبداد دینی را به رسمیت بشناسد.

در دومین اجلاس کهکشان مقاومت و ارتش آزادی، جمعی از قانون‌گذاران و شخصیت‌های
سیاسی و بین‌المللی از کشورهای مختلف جهان از جمله هیات‌های نمایندگی از پارلمان‌های
کشورهای اروپایی، جهان عرب و شخصیت‌های آمریکایی شرکت داشتند و سخنرانی
کردند. در آغاز این اجلاس مریم رجوی طی سخنانی به تشریح وضعیت رژیم آخوندی و
حلقه مفقوده در سیاست‌های غرب پرداخت.

مریم رجوی: حلقه مفقوده در سیاست دولتهای غرب

بسیار خوشحالم که بار دیگر شما را می‌بینم. طی دوسال گذشته به دلیل پاندمی کرونا متأسفانه از دیدارهای جمعی محروم بودیم. حضور شما در اشرف ۳ برای اشرفی‌ها بسیار خوشحال‌کننده است زیرا دوستان دوران سخت خود را می‌بینند. روزهای بسیار سختی بود. ولی به کمک شما ما از همه موانع عبور کردیم. حتماً شما از موزه مقاومت دیدار کرده‌اید، این تصویر هرچند کوچکی از درد و رنج مردم ایران و مقاومت پرشکوهی است که مجاهدین در مقابل این رژیم بنیان گذاشتند. من امروز خوشحالم که به شما بگویم تغییر رژیم به دست مردم و مقاومت ایران بیش از هر زمان دیگر در دسترس است.

سه واقعیت ایران

اجازه می‌خواهم در این فرصت، نگاه کوتاهی داشته باشیم به شرایط ایران؛ سه واقعیت در باره ایران، تصویر روشنی به هر مخاطبی می‌دهد.

اول: پوسیدگی رژیم،

دوم: ادامه‌داری جنبش اعتراضی در ایران

و سوم: نقش مقاومت ایران در سوق دادن اوضاع به سرنگونی رژیم آخوندی.

آخوندها با ماجراجویی، تهدید و هیاهوی تبلیغاتی تلاش می‌کنند هراس‌شان را از تنها هم‌اورد و نقطه آسیب‌پذیر رژیم مخفی کنند، یعنی مقاومت مردم ایران.

شما دوستان عزیز با قرار گرفتن در کنار مبارزه مردم ایران برای آزادی و دموکراسی دقیقاً همین نقطه ضعف بنیادی رژیم را هدف قرار داده‌اید. اشتراک نظر انواع گرایش‌ها در جهان عرب و جهان غرب حول همبستگی با مبارزه مردم ایران برای آخوندها قابل پذیرش نیست.



می گفت تا ویرانی آخرین خشت خانه‌های تهران می‌جنگم. در حالی که در تابستان ۶۱ پایان جنگ و صلح امکان پذیر بود و می‌شد صلح را برقرار کرد اما خمینی و رژیم‌اش مانع می‌شدند. سرانجام حملات پیروزمند ارتش آزادی‌بخش ملی ایران و ترس خمینی از سرنگونی، باعث شد که آتش‌بس در جنگ با عراق را بپذیرد و گفت: من جام زهر آتش‌بس را سر می‌کشم. در مقطع کنونی، ضعف رژیم را به‌وضوح در چند روند مهم می‌توان مشاهده کرد: از جمله استمرار جنبش اعتراضی، گسترش شبکه مقاومت و عملیات آن در داخل ایران، ناتوانی آخوندها در حل معضلات اقتصادی - اجتماعی، ریزش در سپاه پاسداران و شکست رژیم در ادامه نمایش اصلاح‌طلبی.

مماشات با توحش آخوندها

درست به‌همین دلیل، هیچ زمانی مثل امروز رژیم نیازمند مماشات با غرب نبوده است. این که چنگ و دندان نشان می‌دهد، و این که لفاظی‌های ضدغربی می‌کند، از قضا برای این است که هم‌چنان از امتیازهای امنیتی و سیاسی و مالی غرب بهره‌مند شود. متأسفانه دولت‌های غرب از فجایع مماشات با این رژیم در سه دهه گذشته عبرت نگرفته‌اند. معاهده اخیر دولت بلژیک با آخوندها، برای تحویل یک دیپلمات تروریست بمب‌گذار به‌رغم محکومیت او در قضائیه بلژیک، نمونه‌یی از این سیاست است. ایرانیان و اشرف‌نشان‌ها در کشورهای مختلف با تظاهرات و تجمع و تحصن به این معامله ننگین اعتراض کردند. با همین ایستادگی و هم‌چنین اقدامات حقوقی مقاومت ایران، انتقال این تروریست به ایران متوقف شده و بررسی آن در دادگاه بلژیک به تعویق افتاد. واقعیت این است که در ۴ دهه گذشته هیچ موردی از تحویل تروریست‌های زندانی رژیم در ازای

به تازگی ۵ هزار تن از اعضای کانون‌های شورشی در ایران، با ارسال پیام‌های تصویری برای سرنگونی رژیم اعلام آمادگی کردند. جمله مشترک آن‌ها این بود که: «می‌توان و باید». می‌توان و باید رژیم استبداد مذهبی را سرنگون کرد. این گام بلندی در استراتژی مقاومت ایران است که در حال ایجاد نیروی سازمان‌یافته‌یی از جوانان شورشگر است تا در ترکیب با قیام‌ها، رژیم را از سر راه آزادی مردم ایران بردارند. مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌یی در اوضاع ایران در حال تغییرند. یکی جامعه ایران است که در مسیر سرنگونی رژیم حرکت می‌کند. دیگری وضعیت وخیم خود رژیم است. امروز یک مشکل مبرم خامنه‌ای ریزش‌های جریان‌وار در سپاه پاسداران است. در هفته‌های اخیر برکناری شماری از بالاترین فرماندهان سپاه از جمله فرمانده حفاظت ویژه خامنه‌ای و فرمانده سازمان اطلاعات سپاه، پرده‌ها را کنار زد.

رژیم ایران در ضعف یا قدرت؟

کسانی که از اوضاع ایران و موقعیت واقعی رژیم بی‌اطلاعند، این طور گمان می‌کنند که تروریسم صادراتی رژیم یا به‌کارگیری پهپاد و موشک علیه کشورهای همسایه نشانه قدرت آن است. البته این یک اشتباه بزرگ است. سرکوب در داخل ایران یا موشک‌پرانی و جنگ‌افروزی در خارج مرزها، دم و بازدم حیاتی فاشیسم دینی است. بنابراین روزی که از آن دست بکشد، دیگر موجودیت ندارد. عقب در حال مرگ هم تا آخرین لحظه نیش می‌زند. تنها راه پس‌زدن رژیم، قاطعیت است و البته که عنصر تعیین‌کننده، مقاومت ایران است. دوستان ما که از کشورهای عربی و مسلمان که در این جا هستند خوب به‌خاطر دارند که خمینی بنیان‌گذار این رژیم، هشت سال با کشور همسایه، یعنی عراق در حال جنگ بود.

تمام مسأله این است که امدادسانی به آخوندها برای جلوگیری از سرنگونی‌شان باید متوقف شود. سیاستی که مثل سه دهه گذشته مانع تغییر دمکراتیک در ایران شده، باید کنار گذاشته شود. قلب دعوا این است که چرا وقتی جامعه ایران در تدارک سرنگونی رژیم است، دولت‌های اروپایی خود را در جبهه رژیم قرار می‌دهند؟



شکندگه‌گران در زندان‌های رژیم یا آدم‌کشان حرفه‌ی‌اش در خیابان‌ها اضافه می‌شوند. قلب دعوا این است که چرا وقتی جامعه ایران در تدارک سرنگونی رژیم است، دولت‌های اروپایی خود را در جبهه رژیم قرار می‌دهند؟ تمام مسأله این است که امدادسانی به‌آخوندها برای جلوگیری از سرنگونی‌شان باید متوقف شود. سیاستی که مثل سه دهه گذشته مانع تغییر دموکراتیک در ایران شده، باید کنار گذاشته شود.

حالا بیش از همیشه برای همگان روشن است که خاورمیانه و جهان عرب و جهان اسلام هم رنگ آرامش به‌خود نخواهد دید و نخواهد توانست موانع توسعه سیاسی و اقتصادی کشورهای خود را برطرف کند، مگر زمانی که موانع مردم ایران برای تغییر رژیم برداشته شود و مرکز صدور تروریسم و بنیادگرایی و جنگ‌طلبی و ناآرامی در منطقه از میان برداشته شد.

حلقه مفقوده سیاست غرب

زمان یک سیاست جدید در قبال رژیم فرا رسیده است. حلقه مفقوده در سیاست دولت‌های اروپایی و آمریکا، بی‌توجهی به مردم ایران و به‌ویژه مقاومت سازمان‌یافته آن‌هاست که عملاً این بی‌توجهی در خدمت رژیم آخوندی بوده است. دولت‌های اروپا و آمریکا باید خود را در کنار مردم ایران و خواسته آن‌ها قرار دهند.

انتظاری که از دولت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا می‌رود، چند اقدام مشخص است:

- لیست‌گذاری تروریستی تمامیت وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران
- اخراج مأموران اطلاعات و سپاه از خاک اروپا و سلب پناهندگی و شهروندی از آنان

گروگان‌های غربی نبوده که متعاقباً زندگی اتباع غربی را بیشتر به‌خطر نینداخته باشد. نمونه دیگر برنامه اتمی رژیم است. تاریخچه نزدیک شدن گام به گام آخوندها به بمب اتمی مانند تاریخچه دادن بسته‌های تشویقی به این رژیم است. در دو سال اخیر، دولت‌های غرب دست روی دست گذاشته‌اند و رژیم با استفاده از همین فرصت تلاش می‌کند خود را به بمب برساند. در حالی که یک سیاست قاطع می‌توانست رژیم را متوقف کند.

نمونه دیگر، چشم بستن دولت‌های غرب به نقض حقوق بشر در ایران است. در قیام آبان ۹۸، به‌دستور مستقیم و علنی خامنه‌ای، سپاه پاسداران دست کم ۱۵۰۰ جوان را قتل‌عام کرد. متأسفانه دنیای غرب در قبال این جنایت، سکوت کرد. این همان سکوت فاجعه‌باری است که غرب نسبت به قتل‌عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ کرد.

سه ماه پیش مقاومت ایران در افشاگری بزرگی اطلاعات سازمان زندان‌های رژیم را در مقیاس میلیونی منتشر کرد. من فقط یک بند از آن اطلاعات را در این جا یادآوری می‌کنم: در حال حاضر در زندان‌های رژیم ۵ هزار و ۳۷۰ نفر محکوم به اعدام و قصاص به‌سر می‌برند. هم‌چنین ۵۱ نفر محکوم به سنگسار و ۶۰ نوجوان زیر ۱۸ سال محکوم به اعدام و قصاص. آیا چشم بستن به این توحش، شایسته جهان بشری است؟

آخوندها آن قدر به ملامت غرب نسبت به خودشان اطمینان دارند که در حال حاضر شمار زیادی از مأموران وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس را به صورت سلول‌های خفته ساکن اروپا و آمریکا کرده‌اند. کم نیست گزارش‌های اطلاعاتی که نشان می‌دهد رژیم ایران هم تجهیزات مورد نیاز برنامه اتمی خود را از بازارهای اروپا تهیه می‌کند و هم وسایل سرکوب مردم ایران را.

قلب دعوا البته بر سر این نیست که چند تروریست از بازداشتگاهی در بلژیک به خیل



آخوندها با ماجراجویی، تهدید و هیاهوی تبلیغاتی تلاش می‌کنند هراس‌شان را از تنها هم‌اورد و نقطه آسیب‌پذیر رژیم یعنی مقاومت مردم ایران مخفی کنند

مقاومت ایران و جایگزین دموکراتیک شورای ملی مقاومت، پرچمدار روابط عادلانه، بر اساس احترام به استقلال، حاکمیت ملی و مصالح دو جانبه با همسایگان و تمام جهان است.



پیام مریم رجوی
به تظاهرات کهکشان ایران آزاد در برلین

- ارجاع پرونده تروریسم و نسل کشی و جنایت علیه بشریت توسط رژیم ایران به شورای امنیت و تعقیب و محاکمه خامنه‌ای و رئیسی و دیگر سردمداران رژیم
- مشروط کردن روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم به توقف اعدام و صدور تروریسم از سوی رژیم آخوندها
- و به رسمیت شناختن نبرد شورشگران با سپاه تروریستی پاسداران برای سرنگونی استبداد دینی
البته سرنگونی رژیم آخوندی و برقرار کردن دموکراسی و حاکمیت جمهور مردم کار مقاومت و مردم ایران است. مقاومت ایران و جایگزین دموکراتیک شورای ملی مقاومت، پرچمدار روابط عادلانه، بر اساس احترام به استقلال، حاکمیت ملی و مصالح دو جانبه با همسایگان و تمام جهان است.
قطعا در این مبارزه آزادیبخش مثل همیشه شما را در کنار خود خواهیم داشت.



سرنگونی رژیم آخوندی و
برقرار کردن دموکراسی و
حاکمیت جمهور مردم کار
مقاومت و مردم ایران است.



تظاهرات کهکشان ایران آزاد در برلین

روز شنبه اول مرداد ۱۴۰۱، تظاهرات کهکشان ایران آزاد با حضور هزاران تن از ایرانیان آزاده و حامیان مجاهدین در برلین برگزار شد. در این تظاهرات مریم رجوی در یک پیام ویدئویی خطاب به هموطنان شرکت کننده گفت: در دریای رنج و خون مردم ایران دکل سرنگونی پدیدار شده و رژیم به لرزه افتاده است. در این تظاهرات شماری از پارلمانترها و شخصیت‌های آلمانی و نیز نمایندگان جوامع ایرانی در آلمان سخنرانی کردند.



حمایت از آترناتیو دموکراتیک و کانون‌های شورشی

نه به شاه و دیکتاتوری، آری به جمهوری و دموکراسی





پیام مریم رجوی به تظاهرات کهکشان ایران آزاد در برلین

یاران شورشگر،

حامیان قیام،

شخصیت‌ها و دوستان عزیز آلمانی،

ایرانیان به‌پاخاسته که با تظاهرات بزرگ و پرشکوه خود در برلین، گردهمایی ایران آزاد را در آلمان بر پا کردید!

قبل از هر چیز می‌خواهم بپرسم چه کرده‌اید که جیغ و دادآخوندها علیه مقاومت را به‌آسمان رسانده‌اید؟! آن‌چه اتفاق افتاده در این خلاصه می‌شود که: در دریای رنج و خون مردم ایران دکل سرنگونی پدیدار شده و رژیم به لرزه افتاده است.

معامله با شیطان

حتما تازه‌ترین تحول را می‌دانید:

پیرو شکایت‌های شورای ملی مقاومت و برخی شخصیت‌های سیاسی بین‌المللی، دادگاه استیناف بروکسل دیروز، دولت بلژیک را از فرستادن دیپلمات‌تروریست بمب‌گذار به‌ایران منع کرد و آن را منوط به یک بررسی محتوایی ساخت.

ما برای این کار، خواهان فرصت بودیم، و این که دیپلمات تروریست نتواند غافلگیرانه منتقل شود. قرار است دادگاه، چهارشنبه آینده درخواست شاکیان برای ممانعت از آزادی اسدی را به‌لحاظ محتوایی بررسی کند.

این نتیجه شکایت ما، بلافاصله پس از تصویب معاهده شرم‌آوری است که پارلمان‌های بلژیکی گفتند: این یک روز سیاه بود. گفتند: این دیوانگی است و نمی‌توانیم کلمه مناسب برای آن پیدا کنیم.

و این را هم گفتند که «به‌سیاری از ایرانیانی که به‌این مبارزه پیوستند افتخار می‌کنیم». من هم گفتم و تکرار می‌کنم که دل‌خوش کردن به‌آزادی یک گروگان بی‌گناه بلژیکی در ایران، یک گام به‌جلو و صد گام به‌عقب است.

چون در آینده دیگر کسی امنیت نخواهد داشت. هر شهروند اروپایی و آمریکایی در ایران آخوندها، یک گروگان بالقوه است.

قبل از هر چیز می‌خواهم بپرسم چه کرده‌اید که جیغ و داد آخوندها علیه مقاومت را به آسمان رسانده‌اید؟!

آن‌چه اتفاق افتاده در این خلاصه می‌شود که: در دریای رنج و خون مردم ایران دکل سرنگونی پدیدار شده و رژیم به لرزه افتاده است

آیا این یک معامله با شیطان آن هم بر ضد امنیت شهروندان اروپا و آمریکا و مردم و مقاومت ایران نیست؟

راستی سیاست درست و مؤثر در برابر فاشیسم دینی حاکم بر ایران و گشتاپوی آن چیست؟ پاسخ درست و مؤثر به فاشیسم دینی، یک کلمه است و آن قاطعیت است؛ و نه سر فرود آوردن.

گروگان گیری و باج خواهی آخوندها

وقتی که رژیم به باج خواهی و شантаژ دست می زند، دولت های اروپایی باید پیگرد قضایی و محاکمه رئیسی را به جرم جنایت علیه بشریت و نسل کشی روی میز بگذارند.

- باید سفارت های رژیم را ببندند.

- باید آن را به طور کامل تحریم و بایکوت کنند تا مجبور شود گروگان را آزاد کند.

اشرفی ها در سال ۱۳۸۸ با ایستادگی و قاطعیت، مالکی نخست وزیر دست نشانده خامنه ای در عراق را وادار کردند گروگان های ما را آزاد کند. آن ها ۷۲ روز اعتصاب غذا کردند که ۷ روز آن اعتصاب خشک بود. در آن زمان اشرفی ها و شما اشرف نشان ها در اغلب کشورها در اعتصاب غذا بودند.

از آن طرف در ادامه سیاست شانتاژ می بینید که وزارت خارجه آخوندها با یک تقلید ناشیانه و مسخره ۶۱ شخصیت برجسته آمریکایی را به خاطر حمایت از مجاهدین تحریم کرده که البته نشان افتخار و سربلندی است. بسیاری از آن ها در گردهمایی پاریس و از هدف های بمب گذاری بودند.

لیست گذاری آن ها دلیل مضاعف دیگری است که چرا دولت بلژیک نباید دیپلمات بمب گذار را

با نقض قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت ملل متحد، به رژیم کادو بدهد.

۸ حقوقدان برجسته بین المللی اعلام کردند چنین چیزی، «شکست تلاش های اروپا برای مبارزه با تروریسم است» و نباید گذاشت که آخوندها اجرای عدالت را در اروپا به سخره بگیرند. - ادعا می شود که با ضرورت های «امنیت ملی» مواجهند. اما به دست خود امنیت مردم اروپا را زیر پای بانی تروریسم دولتی سر می برند.

۹ شخصیت برجسته آمریکایی نوشتند: این معاهده به رژیم ایران امکان می دهد که مرکز فرماندهی اروپایی تروریسم خود را در بلژیک بنا کند.

آقایان!

نگذارید چنین شود. بگذارید بروکسل هم چنان مرکز اتحادیه اروپا باشد؛ و نه ستاد تروریسم آخوندها در اروپا.

آخوندها تا به حال دست کم ۱۵۰ دیپلمات، خبرنگار، بازرگان یا ایرانیان دارای تابعیت دوگانه را در ایران دستگیر کرده و در لبنان ۱۰۴ نفر اتباع کشورهای غربی را به گروگان گرفته اند.

اما شما این بار جهانی را برانگیختید. در ۱۸ کشور دست به اعتراض و تجمع و تظاهرات زدید و در ۵ کشور تحصن کردید از جمله در آلمان و همین برلین. شما نشان دادید که مقاومت

ایران آزاد می شود و چنان که مسعود گفته است: «هیچ قدرتی در جهان نمی تواند مانع قیام و پیروزی مردم ایران شود»

ترفند شیخ برای احضار ارواح شاهان ساقط شده هم، دردی دوا نمی کند. ارتجاع آخوندی در لبه همان گوری است که ارتجاع سلطنتی در آن افتاد

دل خوش کردن به آزادی یک گروگان بی گناه بلژیکی در ایران یک گام به جلو و صد گام به عقب است. چون در آینده دیگر کسی امنیت نخواهد داشت. هر شهروند اروپایی و آمریکایی در ایران آخوندها، یک گروگان بالقوه است



عهد من با مردم ایران

همین جا از هموطنان عزیزم اجازه می‌خواهم برای نخستین بار درباره توطئه‌هایی که رژیم علیه من به اجرا گذاشته و خواهد گذاشت و رجزخوانی‌هایش، چند جمله‌بی حرف دل خود را بازگو کنم.

از آن روزی که در دوران شاه به‌دنیای مبارزه قدم گذاشتم، برای فداکردن جان ناچیزم در مسیر آزادی، آماده و حاضر بودم. چند سال بعد وقتی خمینی دختران و پسران ۱۶ - ۱۷ ساله را که بعضاً تحت مسئولیت من بودند، تیرباران و پرپر می‌کرد، دلم برای‌شان پر می‌کشید و همه وجودم را این آرزو پر می‌کرد که ای کاش به‌جای آن‌ها بودم.

زمانی که خبر تیرباران خواهرانم را در زندان‌های گوهردشت یا اوین یا زندان‌های سراسر ایران و در بحبوحه قتل‌عام می‌شنیدم، این احساس و اشتیاق صدها بار در من تکرار شد. همیشه به آن‌ها و فداکاری‌شان غبطه می‌خوردم و می‌خورم. این احساس مشترک هر مجاهدی است، وقتی که بهترین‌ها از کنارش پر می‌کشند.

سال‌هاست آخوندها هر بار طرح و نقشه‌یی برای از بین بردن من در پیش می‌گیرند. و هر بار یک جا، در پاریس، در آلمان، در ویلپنت، در آلبانی و موارد اعلام شده و اعلام نشده دیگر. بنابراین به آمران این طرح‌ها که خامنه‌ای و همدستان او هستند، می‌گویم از کلان اعدام‌های دهه ۶۰ و قتل‌عام ۶۷ تا قتل‌عام در اشرف و لیبرتی دیدید و تجربه کردید که کشتن و از بین بردن مجاهدین بی‌اثر است.

این نسل آمده است که همه چیز خود را برای آزادی مردمش فدا کند. من هم یکی از آن‌ها هستم.

کاش می‌شد با فدای جان من، کشتن دیگر هموطنان‌ام در ایران را متوقف کرد. اما هیاهات که ضحاک خون‌آشام، سیری‌ناپذیر است.

عهد من با مردم ایران و تعهد من به مسعود، سرنگونی رژیم ضدبشری آخوندیست تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون.

بنابراین به‌ولی فقیه ارتجاع می‌گویم اگر فکر می‌کند با این توطئه‌ها می‌تواند ما را متوقف کند، سخت در اشتباه است.

ما شعله نبرد را بالا و بالاتر می‌بریم.

و کلام آخر را هم به خلق قهرمان باید گفت:

من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود

جان و سر را نتوان گفت که مقداری هست



وقتی که رژیم به‌باج‌خواهی و شانتاژ دست می‌زند، دولت‌های اروپایی باید پیگرد قضایی و محاکمه رئیسی را به جرم جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی روی میز بگذارند. باید سفارت‌های رژیم را ببندند. باید آن را به‌طور کامل تحریم و بایکوت کنند تا مجبور شود گروگان را آزاد کند

خروشان‌ی هست که صدا و نماینده و نگاهبان حق ایران و ایرانی است. بنابراین، به دولت‌های اروپایی باز هم می‌گوییم مار در آستین‌تان پرورش ندهید. رئیس سابق سازمان اطلاعات آلمان فاش کرد که اروپایی‌ها می‌دانستند رژیم آخوندی پشت چند عمل تروریستی در دوره پس از امضای برجام بوده است. اما سکوت کردند. زیرا نمی‌خواستند به‌برجام ضربه بزنند».

خوب آقایان شما برجام را از دست دادید و به‌جایش، هم تروریسم آخوندها را به‌دست آورده‌اید هم نزدیک شدن آن‌ها را به‌بمب اتمی. راستی تا کی می‌خواهید بارکش غول تروریسم و بنیادگرایی باشید؟

این چه سیاستی است که قربانیان آن اتباع غربی در ایران‌اند. البته قربانی اصلی همیشه مردم و مقاومت ایران بوده و هستند.

من دیروز پیام‌های صوتی و تصویری بیش از ۵ هزارتن از کانون‌های شورشی در مؤسسان پنجم را دیدم که اعلام آمادگی می‌کردند و در مورد سرنگونی این رژیم می‌گفتند: می‌توان و باید- می‌توان و باید این رژیم را سرنگون کرد. امیدوارم که در اولین فرصت بتوان نوار آن را منتشر کرد.

اوضاع به‌نقطه‌یی رسیده که نه رئیسی جلاد و نه بمب اتمی، دیگر اثر ندارد، ترفند شیخ برای احضار ارواح شاهان ساقط‌شده هم دردی دوا نمی‌کند. ارتجاع آخوندی در لبه همان گوری است که ارتجاع سلطنتی در آن افتاد.

بله، ایران آزاد می‌شود و چنان که مسعود گفته است: «هیچ قدرتی در جهان نمی‌تواند مانع قیام و پیروزی مردم ایران شود».

درباره توطئه‌هایی که رژیم علیه من به‌اجرا گذاشته و خواهد گذاشت، به آمران این طرح‌ها که خامنه‌ای و همدستان او هستند، می‌گویم: از کلان اعدام‌های دهه ۶۰ و قتل‌عام ۶۷ تا قتل‌عام در اشرف و لیبرتی، دیدید و تجربه کردید که کشتن و از بین بردن مجاهدین بی‌اثر است. این نسل آمده است که همه چیز خود را برای آزادی مردم‌اش فدا کند. من هم یکی از آن‌ها هستم

به ولی فقیه ارتجاع می‌گویم اگر فکر می‌کند با این توطئه‌ها می‌تواند ما را متوقف کند سخت در اشتباه است

ما شعله نبرد را بالا و بالاتر می‌بریم. اوضاع به‌نقطه‌یی رسیده که نه رئیسی جلاد و نه بمب اتمی دیگر اثر ندارد

بزرگداشت قیام سی تیر ۱۳۳۱ در اشرف ۳

مریم رجوی: به مصدق بزرگ می‌گوییم
ملت ایران در مبارزه برای آزادی پایدار و مصمم است



حالا هفتاد سال بعد از قیام ۳۰ تیر، و در چهل و یکمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت، در اوج تکاملی مبارزه مردم ایران، افتخاردارم که خطاب به پیشوای فقید، مصدق بزرگ بگویم: هم‌چنان که آرزو داشتی، ملت ایران در مبارزه برای آزادی «به پایداری و استقامت مصمم است» و «این ملت آن‌جا که پای شرافت و استقلال مملکت در میان باشد، مرگ را بر زندگی آلوده به‌ننگ و رسوایی ترجیح می‌دهد».

فهرست خونبار شهیدان آزادی در برابر دیکتاتوری آخوندی، از ۳۰ هزار سربهدار تا آخرین جوان شورشگر شهید و تا شهادت هر عضو کانون شورشی، گواه این ایستادگی است.

رهبری سازش‌ناپذیر مصدق

مصدق دولتمردی بود که با اجرای اندیشه ملی شدن صنعت نفت ایران از او به عنوان راهگشای نهضت‌های ضد استعماری در خاورمیانه و مشرق‌زمین یاد می‌شود.

رهبری سازش‌ناپذیر و پیروزی مصدق در شورای امنیت و دادگاه لاهه در دفاع از حقوق ملت ایران، برخلاف منویات شاه و استعمارگران، اثبات این واقعیت است که برقراری یک دولت دمکراتیک در ایران متکی به‌آرای مردم، مدافع منافع اصیل ملی و عاری از فساد و استبداد، امری ممکن است.

اگر در آن روز، دیکتاتوری شاه مانع از دولت ملی دکتر مصدق نمی‌شد، اگر با کودتای ننگین ۲۸ مرداد به نابودی هرگونه آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی کمر نمی‌بست، اگر به زندانی کردن و اعدام یاران مصدق به‌ویژه «شهید راه وطن» دکتر حسین فاطمی اقدام نمی‌کرد، بدون شک حالا چهره ایران متفاوت بود.

بعد از آن هم در ادامه استبداد سلطنتی، شاه با دستگیری و اعدام رهبران مجاهدین خلق و فدایی‌ها، راه را برای خمینی و دارو دسته تبهکارش باز و هموار کرد.

چنان که مسعود گفته است: «مصدق یک فرد نبود، یک راه بود. حملاتی هم که از هر سو به او می‌شد، متوجه راه و مرامش بود؛ راه استقلال و آزادی و مرام سازش‌ناپذیری در برابر استعمار خارجی و دیکتاتوری و ارتجاع داخلی».

سلام و درود مردم ایران بر پیشوای فقید نهضت ملی ایران که از زندان و تبعید و تنهایی در احمدآباد نهراسید. شیطان‌سازی ارتجاع و استعمار و دروغ‌ها و تهمت‌ها را تحمل کرد اما بر موضع آزادی و استقلال وطن ایستادگی کرد و این‌که «ملت ایران بر مقدرات خود مسلط شده و هیچ عاملی جز اراده ملت بر مملکت حکومت نکند».

با آخرین پیام دکتر مصدق در آذر ماه ۱۳۳۷ از احمدآباد، نام و یاد او را گرمی می‌داریم که به

با گرامیداشت هفتادمین سالگرد قیام بزرگ مردم ایران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱، درود می‌فرستیم به روح پرفتوح دکتر محمد مصدق، پیشوای نهضت ملی و ضد استعماری مردم ایران.

پیام غرور آفرین مصدق بزرگ در هفدهمین جلسه دادگاه نظامی خطاب به شاه و مزدوران او، امروز پرقدردتر و حقیقی‌تر از همیشه در گوش زمان جاری‌ست که گفت: «مسلک من، مسلک حضرت سیدالشهدا است. یعنی آن‌جایی که حق در کار باشد، با هر قوه‌یی مخالفت می‌کنم؛ از همه چیزم می‌گذرم. نه زن دارم، نه پسر دارم، نه دختر دارم؛ هیچ چیز ندارم مگر وطنم را در جلو چشمم دارم».

همان قطعه‌یی که بارها به زیبایی آن را مسعود تکرار کرده برای همه نسل‌ها و مجاهدین هم از او آموخته‌اند.

بله «از بانگ راستین تو، ای مرد، ای دلیر

آفاق شرق تا همه اعصار پر صداست».

پیام غرور آفرین مصدق بزرگ در هفدهمین جلسه دادگاه نظامی خطاب به

شاه و مزدوران او، امروز پرقدردتر و حقیقی‌تر از همیشه در گوش زمان

جاری‌ست که گفت: «مسلک من، مسلک حضرت سیدالشهدا است. یعنی

آن‌جایی که حق در کار باشد، با هر قوه‌یی مخالفت می‌کنم؛ از همه چیزم

می‌گذرم. نه زن دارم، نه پسر دارم، نه دختر دارم؛ هیچ چیز ندارم مگر وطنم

را در جلو چشمم دارم».

قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ بوته امتحان ملت ایران

و باز هم‌چنان که دکتر مصدق در اولین سالگرد آن قیام بزرگ گفت: «روز سی‌ام تیر در تاریخ مبارزات ممتد ملت ایران فراموش نشدنی است. زیرا در این روز تمام افراد ملت از هر طبقه و مقام... یک دل و یک زبان، قیام به اقدام کردند و تا به مقصود نرسیدند از پا ننشستند».

درود می‌فرستیم به شهیدان قیام ملی ۳۰ تیر و همراه با مصدق بزرگ «مراتب تکریم و احترام قلبی خود را به‌روح پاک این سربازان مجاهد راه حریت و آزادی» تقدیم می‌کنیم.

راستی که مسیر آزادی و استقلال جز با بهای گران خون بهترین فرزندان خلق و رنج پیشتانان این مسیر، میسر نیست. به همین دلیل قیام‌های بزرگ ملت ایران از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به‌قول مصدق «بوته امتحانی شد که ملت ایران را در خود گذاخت و زر خالص او را از عیار فساد و تباهی جدا کرد» ...



مصدق دولتمردی بود که با اجرای اندیشه ملی شدن صنعت نفت ایران از او به عنوان راهگشای نهضت‌های ضد استعماری در خاورمیانه و مشرق‌زمین یاد می‌شود

ملت رشید و عزیز ایران گفت: در راه پرافتخاری که قدم برداشته‌اند، از هیچ حادثه‌یی نهراسند و نهضت مقدس خود را ادامه دهند و به‌راستی که در مبارزات خطیر این چند دهه، مسعود و مجاهدین خلق نام و راه مصدق را به‌اوج رساندند و بر صفحه مبارزات مردم ایران، ماندگار کردند. به مصدق بزرگ می‌گوییم: ما به‌رسالت و تعهد شکوهمندی که در تاریخ معاصر بر دوش ما گذاشته شده، آری گفته‌ایم. و پرچم آزادی را بر قلعه دماوند به‌اهتزار درمی‌آوریم.

و در آن روز نام تو ای مصدق بزرگ،

«نام بزرگ تو، در برگ برگ یاد درختان این دیار

در قصه‌ها و زمزمه‌ها و سرودها - در هر کجا و هر جا، تا جاودان به گیتی، خواهد ماند».

سلام بر مصدق

سلام بر شهیدان قیام ملی ۳۰ تیر

به مصدق بزرگ می‌گوییم: ما به‌رسالت و تعهد شکوهمندی که در تاریخ معاصر بر دوش ما گذاشته شده، آری گفته‌ایم. و پرچم آزادی را بر قلعه دماوند به‌اهتزار درمی‌آوریم



اگر در آن روز، دیکتاتوری شاه مانع از دولت ملی دکتر مصدق نمی‌شد، اگر با کودتای ننگین ۲۸ مرداد به نابودی هرگونه آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی کمر نمی‌بست، اگر به زندانی کردن و اعدام یاران مصدق به‌ویژه «شهید راه وطن» دکتر حسین فاطمی اقدام نمی‌کرد، بدون شک حالا چهره ایران متفاوت بود

اجلاس
شورای ملی مقاومت ایران
درچهل و یکمین
سالگرد تأسیس شورا

اجلاس شورای ملی مقاومت در چهل و یکمین سالگرد تأسیس شورا در ۱۰ کشور در روزهای ۶ و ۷ مرداد ۱۴۰۱ با حضور رئیس‌جمهور برگزیده شورا برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران و با شرکت اعضا و ناظران شورا در فرانسه، آلمان، سوئد، هلند، انگلستان، آمریکا، ایتالیا، سوئیس، بلژیک و آلبانی برگزار شد.

اجلاس شورا پس از سرود «ای ایران» با سخنرانی خانم رجوی و یاد یاران جان‌باخته؛ دکتر منوچهر هزارخانی، رحمان کریمی، دکتر صمد فتح‌پور، حمیده طاعتی، عباس مدرسی و مجید طالقانی، آغاز به کار کرد.

خانم رجوی در سخنان خود خاطرنشان کرد چهلمین سال حیات شورا با گسترش جبهه‌های رزم و تلاش مقاومت و ارتقای فعالیت‌ها و موضع تنها جایگزین دموکراتیک برجسته می‌شود. نیروی سازمان‌یافته مقاومت در رویارویی با فاشیسم دینی که در چارچوب کانون‌های شورشی و شوراها مقاومت مردمی فعالیت می‌کنند، گسترش چشمگیری داشت. شمار کارزارهای اختناق‌شکن کانون‌های شورشی از ۳۰ خرداد ۱۴۰۰ تا ۳۰ خرداد ۱۴۰۱ به‌بیش از ۲۳۰۰ مورد رسید. این دوران مصادف است با ریاست جمهوری جلاد ۶۷؛ دورانی که رژیم آخوندی در محاصره بخران‌های داخلی و خارجی به اعدام و سرکوب هر چه بیشتر روی آورد. اعدام‌های ثبت‌شده در دوره رئیسی دست‌کم ۵۲۰ مورد و بسا بیشتر از سال‌های قبل است. سرکوب زنان میهن‌مان تحت عنوان آخوندساخته بدحجابی ابعاد بی‌سابقه‌یی به خود گرفت و کار به جایی رسید که تعرض به زنان، اکنون به گورستان‌ها هم راه برده و سنگ مزار بسیاری از زنان را به‌نحو ضد انسانی به‌همین بهانه تخریب می‌کنند. راستی که چنین رژیمی ننگ بشریت معاصر است و مذاکره و گفتگو با آن شرم‌آور و لگدمال کردن ارزش‌هایی است که بشریت آن را با قربانیان بسیار و بی‌شمار به‌دست آورده است. این رژیم باید از جامعه جهانی طرد شود.

خانم رجوی در بخش دیگری از سخنان‌اش به همبستگی جهانی با مقاومت، حضور معاون رئیس‌جمهور و وزیر خارجه قبلی آمریکا و برخی نخست‌وزیران سابق کشورهای اروپایی در اشرف ۳ و تأکیدات آن‌ها بر پایان عهد شیخ و شاه و شناسایی حق مقاومت مردم ایران برای سرنگونی رژیم و جایگزینی یک جمهوری دموکراتیک و غیراتمی مبتنی بر جدایی دین از دولت، اشاره کرد.

وی افزود: در قریب به یک سال کارزار بی‌وقفه دراستکهلم هم‌زمان با محاکمه دژخیم نوری، مقاومت ایران موفق شد چیزی را که ابتدا دسیسه پیچیده خود رژیم برای مصادره جنبش دادخواهی و هویت‌زدایی از مجاهدین سر به‌دار بود، به شکست برای خود رژیم تبدیل کند و ضرورت محاکمه خامنه‌ای و رئیسی به جرم جنایت علیه بشریت را به ثبت برساند. کارزار جهانی و عکس‌العمل سریع سیاسی و حقوقی مقاومت و یاران شورشگر و هموطنان پشتیبان در برابر معاهده رژیم با دولت بلژیک برای دربردن دیپلمات تروریست محکوم، این معامله ننگین را رسوا و بی‌اعتبار کرد.

رئیس‌جمهور برگزیده شورا در باره موقعیت و مسئولیت شورا به عنوان یگانه جایگزین دموکراتیک برای ایران پس از آخوندها گفت: وقتی که از آلترناتیو صحبت می‌کنیم، یک ادعا یا یک عنوان کلی نیست، بلکه نیرو و سازوکار شکافنده و هدایت‌گری است که جهت فعالیت‌های مبارزاتی را مشخص کرده و روشن می‌کند که در کدام جهت، با کدام شعار، با چه وحدت و تضادهایی و با کدام اولویت‌ها باید حرکت کرد. ریشه‌های جایگزین دموکراتیک در یک نبرد بی‌امان و طولانی با استبداد دینی محکم شده است. این مقاومت بیش از ۴۰ سال است که دعاوی و شعارهای مروج «نه‌جنگ» و روش‌های پوچ و بی‌هزینه در خدمت بقای ولایت فقیه را افشا و خیمه‌شب‌بازی موسمی آلترناتیوهای یک‌شبه را برملا کرده است. امروز، ضرورت سرنگونی رژیم که با این مقاومت شناخته می‌شود و ماده اول اساسنامه و علت تشکیل شورا از ۴۰ سال پیش است؛ بر پیشانی جنبش اعتراضی سراسری حک شده است. ما بر شعار «مرگ برخامنه‌ای - مرگ بر رئیسی» به عنوان شعار فراگیر قیام‌ها برای سرنگونی رژیم تأکید می‌کنیم. خانم رجوی از جانب شورای ملی مقاومت، با صمیمانه‌ترین تسلیت‌ها به همه هموطنان، به‌ویژه به خانواده‌های داغدار و مصیبت‌دیده در فاجعه سیل، از جوانان غیور میهن و هموطنان‌مان در سراسر کشور، به خصوص استان‌های همجوار با مناطق سیل‌زده، خواستار همیاری و کمک‌رسانی مستقل مردمی به آسیب‌دیدگان شد.

در بحث‌های پیش از دستور و در دستور کار اجلاس دو روزه شورا، وضعیت بحرانی رژیم و جامعه انفجاری، بالا گرفتن قیام‌ها علیه گرانی، خیزش‌ها و اعتراض‌های اقشار مختلف به‌ویژه معلمان و بازنشستگان، خیزش‌های پس از فاجعه متروپل آبادان، موقعیت و دستاوردهای یگانه



اعضای شورا در بحث‌های فشرده مربوط به مذاکرات اتمی بین رژیم و طرف‌های آن در توافق برجام، هرگونه امید بستن به گفتگو با این رژیم قرون وسطایی را بیهوده و فرصت دادن به آن دانستند و با یادآوری نظرسنجی‌های اعلام‌شده مقاومت ایران، بر ضرورت قاطعیت و اعمال هرچه جدی‌تر و کامل‌تر قطعنامه‌های شورای امنیت تأکید کردند

خانم رجوی گفت: در مورد نقشه مسیری که خامنه‌ای برای رژیم‌اش در نظر داشت، مسئول شورا از آغاز بر استراتژی انقباضی رژیم، به مثابه یک مسیر منجر به سرنگونی، دست گذاشت و آن را افشا و تأکید کرد که غیرممکن است رژیم به تعادل پیشین برگردد. او تئوری پدیده‌ی به نام رئیسی جلاد را توضیح داد که ریاست وی «برآمد و بارزترین شاخص دوران سرنگونی است».

وی در موضوع اتمی، این معضل نظری و سیاسی را باز کرد که با رئیسی وارد مرحله‌ی شده‌ایم که حتی بمب اتمی هم نمی‌تواند این رژیم را نجات بدهد. عنصر ماهوی سرکوب در رژیم ولایت فقیه و نقش سپاه پاسداران را توضیح داد که «ارگان محوری قهر و سرکوب نظامی و ابزار اصلی حفظ دیکتاتوری دینی است. لیست‌گذاری آن کافی نیست و باید منحل شود».



رئیس‌جمهور برگزیده شورا در باره موقعیت و مسئولیت شورا به عنوان یگانه جایگزین دموکراتیک برای ایران پس از آخوندها گفت: وقتی که از آلترناتیو صحبت می‌کنیم، یک ادعا یا یک عنوان کلی نیست، بلکه نیرو و ساز و کار شکافنده و هدایت‌گری است که جهت فعالیت‌های مبارزاتی را مشخص کرده و روشن می‌کند که در کدام جهت، با کدام شعار، با چه وحدت و تضادهایی و با کدام اولویت‌ها باید حرکت کرد.

اعضای شورا خاطرنشان کردند که دست و پا زدن‌های رژیم درمانده که در این ایام با اظهارات هراس‌آلود سرکردگان و شخص رئیسی از کابوس سرنگونی در سی و چهارمین سالگرد عملیات فروغ جاویدان همراه شده است، از این روست که مقاومت به‌رغم قتل‌عام زندانیان سیاسی و مباران و موشک‌باران در اشرف و لیبرتی و به‌رغم بند و بست‌های ارتجاعی-استعماری، چون کوه در مقابل بی‌رحم‌ترین ارتجاع تاریخ ایران ایستاده و با عبور پیروزمندانه از میان همه توطئه‌ها و شیطان‌سازی‌ها، مسیر استقلال و آزادی ایران را هموار کرده است.

اجلاس شورا در ارزیابی وضعیت رژیم، یک سال پس از روی کار آمدن رئیسی، نتیجه‌گیری کرد که سیاست یک‌دست شاکله قدرت که ولی‌فقیه نظام، برای مهار قیام‌های مردمی با جراحی درونی در پیش گرفت، اکنون به گل نشسته و یک سال پس از آن که خامنه‌ای از طریق فضاحت‌بارترین نمایش انتخاباتی در تاریخچه رژیم، جلاد ۶۷ را به‌کرسی ریاست‌جمهوری رژیم

جایگزین دموکراتیک، همبستگی بین‌المللی با مقاومت ایران و کارزارهای جهانی علیه اعدام‌ها و جنایات ضدبشری و تروریسم رژیم آخوندی مورد گفتگو قرار گرفت.

پیوند قیام‌ها و خیزش‌ها با گسترش فعالیت‌های کانون‌های شورشی، کارزار جلوگیری از برگرداندن دیپلمات‌تروریست بمب‌گذار، اعتلای جنبش دادخواهی، محکومیت دژخیم حمید نوری به حبس ابد، درهم شکستن توطئه رژیم برای هویت‌زدایی از مجاهدان سر موضع، رسوایی مأمور نفوذی، که اطلاعات آخوندها با «عملیات پیچیده چند وجهی» قصد سفیدسازی وی را داشت، و هم‌چنین فجایع اجتماعی و زیست‌محیطی و تلفات تأسّف‌بار و خسارات گسترده سیل‌های ویرانگر و شیوع مجدد کرونا، از دیگر مسائل مورد بحث در اجلاس شورا بود.

در سخنان پیش از دستور، اعضای شورا، برگزاری کهکشان مقاومت با سلسله‌یی از تظاهرات، تجمع و تحصن و مشارکت و فعالیت پرشور و خستگی‌ناپذیر هموطنان‌مان در آن‌ها را، نماد درخشانی از اعتلای مقاومت و جایگزین دموکراتیک دانستند و از اقدامات حقوقی کمیسیون قضایی و ابتکارات به‌موقع شورا برای جلوگیری از استرداد دیپلمات‌تروریست بمب‌گذار قدردانی کردند. دامنه و ابعاد فعالیت‌ها به‌حدی بود که برخی نمایندگان پارلمان بلژیک، تلاش‌ها و تظاهرات خستگی‌ناپذیر ایرانیان آزاده را نه فقط مقابله با مقاصد شوم رژیم آخوندها علیه مردم و مقاومت ایران، بلکه دفاع از ارزش‌های بنیادین دموکراسی و حاکمیت قانون و مقابله جهانی با تروریسم توصیف کردند.

در اجلاس شورا گزارش‌هایی درباره توطئه‌های دامنه‌دار و پرهزینه رژیم آخوندی علیه مقاومت و جایگزین دموکراتیک در داخل و خارج کشور، طرح‌های تروریستی در آلبانی علیه اشرف ۳، بسیج شیطان‌سازی به‌وسیله شبکه خبرنگاران دوست نظام و برخی رسانه‌های خارجی، احضار روح رضا خان قلدر توسط چند بسیجی در حاشیه اعتراضات اجتماعی، جوسازی‌های هماهنگ رسانه‌یی همراه با نظرسنجی‌های مشکوک در باره پایگاه اجتماعی سلطنت مدفون و رئیسی جلاد و فقدان پایگاه اجتماعی جنبش مقاومت، ارائه شد.

در این خصوص، پهلوان فیلابی با یادآوری خاطره آشنایی‌اش با رهبر نهضت ضداستعماری مردم ایران، دکتر محمد مصدق از طریق جهان پهلوان تختی، گفت: «طی این سال‌ها به این ایمان و باور رسیدم که بقای این الترنتیو، در گرو مرزبندی قاطع با دیکتاتوری‌های شیخ و شاه است و به‌تجربه فهمیدم که بقایای شاه نقش خاکریز را برای جلوگیری از سرنگونی رژیم آخوندی بازی می‌کنند».

اجلاس شورا، ترفندها و توطئه‌های دشمن را نشانه دیگری از ناتوانی رژیم در مهار مبارزه جوانان انقلابی و کانون‌های شورشی دانست که رژیم و نیروهای امنیتی و سرکوبگر آن را به‌سوی تهدید کشورهای اروپایی و اشرف ۳ با موشک و پهپاد سوق داده است.

اثر ناتو رژیم آخوندی در یک نبرد طولانی با استبداد دینی ریشه دارد

سخنرانی مریم رجوی در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران



در فاصله اجلاس قبلی تا امروز دوره یک ساله‌ی را پشت سر گذاشته‌ایم که با گسترش جبهه‌های رزم و تلاش مقاومت ایران و جایگزین دموکراتیک و ارتقاء فعالیت‌های آن برجسته می‌شود. در این دوره یکساله، نیروی سازمان‌یافته مقاومت در مقابل این رژیم که در قالب قانون‌های شورشی و شوراهای مقاومت مردمی فعالیت می‌کنند، گسترش پیدا کرد.

در آغاز خاطره دکتر هزارخانی مسئول کمیسیون فرهنگ و هنر شورای ملی مقاومت را گرامی می‌داریم. بعد از ۴۱ سال صندلی او در این اجلاس خالی است، اما میراث سیاسی و فرهنگی او در شورای ملی مقاومت الهام‌بخش نسلی است که برای سرنوشت رژیم و کسب آزادی به‌شورش و مقاومت برخاسته‌اند.

نشانده همه چیز گواه آن است که این سیاست، شکست خورده و رؤیای ولی فقیه به کابوس تبدیل شده است.

نه تنها همه کارشناسان مستقل، بلکه بسیاری از مدافعان سرسخت سیاست مامشات و حتی برخی کارشناسان حکومت و پیرامون آن از بحران‌ها و بن‌بست‌های لاینحل رژیم سخن می‌گویند و به این واقعیت مهر تأیید می‌زنند که اکثریت مردم ایران نه فقط در کنار حکومت نیستند، بلکه در ستیز با نظام حاکم قرار دارند. آن‌هم در شرایطی که بانک مرکزی رژیم اعلام می‌کند انباشت نقدینگی از خرداد ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۱ یعنی در دوره یک ساله پس از رئیسی، به میزان ۳۷،۸ درصد افزایش یافته و به رقم ۵،۱۰۴ تریلیون و ۹۶۰ میلیارد تومان بالغ شده است. این حجم عظیم نقدینگی و تورم سرسام‌آور ناشی از آن، سنگین‌ترین فشارها را بر اکثریت عظیم جامعه و اقشار محروم تحمیل می‌کند و جامعه ایران را به‌انبار باروت تبدیل کرده است. اعضای شورا در بحث‌های فشرده مربوط به مذاکرات اتمی بین رژیم و طرف‌های آن در توافق برجام، هرگونه امیدبستن به گفتگو با این رژیم قرون وسطایی را بیهوده و فرصت‌دادن به آن دانستند و با یادآوری نظرها‌های اعلام شده مقاومت ایران، بر ضرورت قاطعیت و اعمال هرچه جدی‌تر و کامل‌تر قطعنامه‌های شورای امنیت تأکید کردند. به‌خصوص که روند یک ساله مذاکرات بازهم نشان داد که خامنه‌ای حاضر به دست برداشتن از برنامه اتمی و تبعیت کامل از تعهدات برجامی نیست و دستیابی به بمب اتمی را لازمه بقای ولایت فقیه و حفظ نظام می‌داند. اجلاس شورا این نقطه نظر مسئول شورا را مورد تأکید قرار داد که در دی‌ماه گذشته اعلام کرد: «بعد از رئیسی در مقوله اتمی هم، اعم از این که رژیم در بازی موش و گربه برجام در سال میلادی جدید (۲۰۲۲) واپس بتمرگد یا تجرى و پیشروی کند، فرقی نمی‌کند و ماحصل آن به‌کفه قیام و اشتعال و انفجار می‌ریزد. رژیم مخصوصاً در مرحله پسا کرونا که دو سال را با آن کشید، هر لحظه باید آماده اعتراض و قیام باشد. اگر تأخیر کند، مهلت و مهار از دست می‌رود و پاسخی جز رئیسی و قتل‌عام ندارد. پس نباید در مرحله قبل از رئیسی درجا زد. چون جلاد ۶۷ خود برآمد و بارزترین شاخص دوران سرنوشتی است».

مذاکرات اجلاس دو روزه شورا در نیمه شب جمعه ۷ مرداد به پایان رسید و طی آن ۴۵ تن از اعضا و ناظران سخنرانی کردند.

مسئول شورا از آغاز بر استراتژی انقباضی رژیم، به‌مثابه یک مسیر منجر به سرنوشتی، دست گذاشت و آن را افشا و تأکید کرد که غیر ممکن است رژیم به تعادل پیشین برگردد. او تئوری پدیده‌یی به نام رئیسی جلاد را توضیح داد که ریاست وی «برآمد و بارزترین شاخص دوران سرنوشتی است».



پهپاد توسط رژیم بود.

در سراسر سال گذشته، در هر فرصتی، مجاهدین و شورای ملی مقاومت دادخواهی قتل عام‌شدگان را در عرصه‌های حقوقی، اجتماعی و بین‌المللی پیش بردند. چه به‌صورت برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی یا انتشار کتاب، یا برپایی کنفرانس‌هایی با حضور حقوق‌دانان صاحب‌نام جهان. هم‌چنین فراخوان‌هایی برای تحقیقات فوری درباره قتل عام ۶۷ نظیر فراخوان ۴۶۲ تن از مقامات فعلی و پیشین سازمان ملل، حقوق‌دانان سرشناس، قضات و مقامات دادگاه‌های بین‌المللی و برندگان جایزه نوبل.

در اوایل مهرماه سال گذشته، به‌دنبال فعالیت‌های حقوقی شورا، دادگاه فدرال سوئیس حکم خیلی مهمی را صادر کرد که باعث شد به‌رغم گذشت بیش از ۳۰ سال، پرونده ترور دکتر کاظم رجوی بسته نشود و به عکس در چارچوب نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت مورد بررسی قرار گیرد و این دو عنوانی است که شامل مرور زمان نمی‌شود.

در تمام سال در کنش و واکنش با وقایع ایران، تظاهرات و اکسیون‌های متعدد در شماری از شهرهای مهم جهان توسط هواداران مقاومت جریان داشته است.

در زمینه مقابله با بسیج شیطان‌سازی و دروغ‌پردازی رژیم علیه مجاهدین و شورا، کمیسیون امنیت شورا ۲۶ سند محرمانه پرس تی‌وی را علنی کرد. این اسناد تا حدی پشت پرده تولید مستند، برنامه و اینفوکلپ علیه مجاهدین برای وزارت خارجه و قضاییه جلادان را نشان می‌دهد

یادش به‌خیر که هر جا نبرد و مقاومت شعله می‌کشید، حاضر بود و با منطق برا و بیان شیوا از حقانیت مقاومت سخن می‌گفت و یادش به‌خیر که از سال ۶۰ و از هنگام تأسیس شورای ملی مقاومت، مساعدت برادرانه و رفیقانه، قلبی، قدمی و قلمی‌اش با مسئول شورا ستایش‌انگیز و آموزنده بود.

هم‌چنین گرمی می‌داریم خاطره زنده‌یاد دکتر صمد فتح‌پور یار صدیق مقاومت و برادر مجاهد بزرگوارمان عباس مدرسی‌فر با آن سابقه و پایداری طولانی در زندان‌های شاه تا اشرف و لیبرتی و یاد خواهر عزیزم مجاهد خلق حمیده طاعتی به‌خیر که الگوی جنگندگی و شجاعت بود. به راستی که هر کدام از آن‌ها مظاهر مقاومت و وفای به عهد بودند و زندگی خود را وقف رهایی مردم ایران کردند. هم‌چنین گرمی می‌داریم یاد شاعر و نویسنده مبارز آقای رحمان کریمی و آقای مجید طالقانی را که بر اثر بیماری درگذشت.

گسترش جبهه‌های رزم با رژیم آخوندی

در فاصله اجلاس قبلی تا امروز دوره یک‌ساله‌ی را پشت سر گذاشته‌ایم که با گسترش جبهه‌های رزم و تلاش مقاومت ایران و جایگزین دموکراتیک و ارتقای فعالیت‌های آن برجسته می‌شود. این دوران مصادف است با ریاست جمهوری جلال ۶۷. دورانی که رژیم آخوندی در محاصره بحران‌های داخلی و خارجی به دو حربه همیشگی خود، یعنی اعدام و سرکوب وحشیانه زنان روی آورده است.

اعدام‌های ثبت‌شده در دوران رئیسی دست‌کم به ۵۲۰ فقره بالغ می‌شود که بسا بیشتر از سال‌های قبل است. تنها در ۵ روز اول مرداد، ۲۰ زندانی از جمله ۲ زن اعدام شده‌اند. سرکوب زنان میهن‌مان در این ایام، تحت عنوان آخوندساخته بدحجابی ابعاد بی‌سابقه‌ی به خود گرفته است. صحنه‌های دلخراش تعرض به دختران و زنان آزاده و شریف، وجدان هر انسانی را جریحه‌دار می‌کند. کار به جایی رسیده است که تعرض به زنان به‌گورستان‌ها نیز راه برده و سنگ مزار بسیاری از زنان را به‌همین بهانه تخریب می‌کنند.

راستی که مذاکره و گفتگو با رژیمی که ننگ بشریت معاصر است، شرم‌آور و لگدمال‌کردن ارزش‌هایی است که جهان با صدها میلیون قربانی در سده‌های اخیر به‌دست آورده است. این رژیم باید از جامعه جهانی طرد شود.

در این دوره یک‌ساله، نیروی سازمان‌یافته مقاومت در مقابل این رژیم که در قالب کانون‌های شورشی و شوراهای مقاومت مردمی فعالیت می‌کنند، گسترش چشمگیری پیدا کرد.

افزایش حملات و تهاجمات نظامی به قرارگاه‌های سپاه پاسداران. در مهرماه سال گذشته دفتر شورای ملی مقاومت در واشینگتن یک افشاگری مهم داشت که افشای مراکز تولید و ساخت



بر اثر فعالیت‌هایی که به صورت مختصر بر شمرده، مقاومت ایران توانست طی سال گذشته در تشدید بحران سرنگونی رژیم تأثیر چشمگیری داشته باشد. هم‌چنین گسترش کمی ایرانیان و به‌ویژه جوانانی که به این مقاومت رو می‌آورند و سطح کیفی اثرگذاری آن‌ها به‌جد افزایش یافت. برنامه این شورا در خصوص برپایی یک جمهوری بر اساس آزادی و دموکراسی و رأی جمهور مردم، جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد و خودمختاری ملیت‌های ستم‌زده بیش از همیشه با اقبال عمومی مواجه شد و شورا در جنگ آلترناتیو یعنی در کشاکش روزمره برای نشان دادن ضربه‌پذیری و بن‌بست رژیم و موقعیت سرنگونی به موفقیت‌های بسیار دست یافت و نشان داد که این جایگزین راه و راه‌حل و چشم‌انداز زنده و عینی است.

شورای ملی مقاومت شاقول مبارزه برای سرنگونی

وقتی از آلترناتیو صحبت می‌کنیم، یک ادعا یا عنوان کلی نیست که ما به‌ازا و اثری در تلاطم‌های روزمره نبرد با رژیم نداشته باشد.

بلکه نیرو و ساز و کار شکافنده و هدایت‌گری است که جهت را برای مجموعه فعالیت‌های مبارزاتی مشخص می‌کند و روشن می‌سازد چه گام‌هایی باید برداشت؛ در کدام جهت، با کدام شعار، با چه وحدت و تضادهایی و با کدام اولویت‌ها.

چیزی است که روزانه در زمین سخت و ناهموار مبارزه، حل‌المسائل جنبش است. هدف‌ها را نشان می‌دهد، سره را از ناسره تشخیص می‌دهد، تمیزدهنده میان خط صحیح از انحراف است، دارایی خلق و مقاومت را از دستبرد رژیم و همدستان‌اش در امان نگه می‌دارد و در یک کلام شاقول مبارزه برای سرنگونی است.

که همه با پرداخت‌های کلان به شبکه «خبرنگاران دوست» صورت می‌گیرد. شورای ملی مقاومت توانست برای باقی‌ماندن سپاه پاسداران جرار خامنه‌ای در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا نقش مهمی ایفا کرد.

از طرف دیگر با تلاش‌های مجاهدین و اشرف‌نشان‌ها، همبستگی جهانی با مقاومت گسترش پیدا کرد. حضور وزیر خارجه سابق آمریکا و هم‌چنین معاون سابق رئیس‌جمهور آمریکا و برخی نخست‌وزیران سابق کشورهای اروپایی در اشرف ۳ و تأکیدات صریحی که در شناسایی حق مقاومت مردم ایران برای سرنگونی رژیم کردند، دستاورد تازه‌یی برای جنبش مقاومت مردم ایران است.

به‌همه این‌ها باید اضافه کنیم قریب یکسال کارزار بی‌وقفه در استکهلم که هم‌زمان با محاکمه دژخیم نوری صورت گرفت. مجاهدین و شورا موفق شدند چیزی را که ابتدا دسیسه پیچیده خود رژیم برای بی‌اعتبار کردن جنبش دادخواهی و هویت‌زدایی از مجاهدین سر به‌دار بود، به شکست رژیم تبدیل کنند و حماسه مقاومت بی‌نظیر مبارزان و مجاهدان سر موضع و سر به‌دار در برابر دیدگان همه در ایران و جهان قرار گرفت. و ضرورت محاکمه خامنه‌ای و رئیسی را به جرم جنایت علیه بشریت به ثبت رساند و بالاخره، کارزار علیه معاهده رژیم با دولت بلژیک برای دربردن دیپلمات تروریست، که از فصل‌های مهم فعالیت‌های یک سال اخیر است.

این کارزار در مرحله اول در مجموع ۲۰ روز طول کشید و هموطنان ما و اشرف‌نشان‌ها و اعضای مقاومت در کشورهای مختلف به اعتراض و تحصن و تظاهرات دست زدند و در مرحله بعد، کارزارهای سیاسی و حقوقی شروع شد که هنوز ادامه دارد.

دادگاه بروکسل، ممنوعیت برگرداندن دیپلمات تروریست بمب‌گذار را به رژیم آخوندی تا تاریخ ۱۹ سپتامبر یعنی ۲۸ شهریور برای رسیدگی محتوایی به درخواست شاکیان تمدید کرد. این دستاورد کارزار جهانی مقاومت ایران و یاران شورشگر و هموطنان پشتیبان است و تا همین‌جا بسیار جای تبریک دارد.

اما در این کارزار آن‌چه برای همه چشمگیر بود، چه برای رسانه‌های داخلی و خارجی، چه برای پارلمان‌های بلژیکی در اپوزیسیون یا جناح حاکم و مشخصاً برای خود رژیم، قدرت بسیج و هدایت‌کنندگی شورا بود.

راستی که مذاکره و گفتگو با رژیمی که ننگ بشریت معاصر است، شرم‌آور و لگدمال کردن ارزش‌هایی است که جهان با میلیون‌ها قربانی در سده‌های اخیر به دست آورده است. این رژیم باید از جامعه جهانی طرد شود.

پس از توپ‌باران مناطقی از کردستان عراق توسط رژیم کردکش ولایت فقیه، مسئول شورا گفت: «برای واپس‌نشاندن رژیم در توپ‌باران مردم بیگانه و احزاب کرد ایرانی در منطقه مرزی باید در شهرهای ستم‌زده کردستان ایران و سراسر کشور، مانند نمونه آب در خوزستان به اعتراض برخاست». در قیام خوزستان، با دست‌گذاشتن بر نقش ویرانگر سپاه پاسداران تأکید کرد: «سپاه پاسداران خامنه‌ای باید از خشک کردن عمدی هورها که باعث فجایع زیست‌محیطی شده مخصوصاً علیه هموطنان عرب ما دست بردارد و گورش را گم کند».

هم چنین در مورد تحمیل گرانی و گرسنگی و بی‌خانمانی به مردم، مسئول شورا کنه سیاست خامنه‌ای را نشان داد. حقیقت این است که بعد از کرونا، خامنه‌ای و رئیس می‌خواهند با گرانی و گرسنگی قتل‌عام کنند. حرف شورای ملی مقاومت این است که: «ما بر خلع ید کامل خامنه‌ای و بیت او از یک هزار میلیارد دلار دارایی انباشته در ستاد اجرایی، بنیاد ضد‌مستضعفان، آستان قدس و تعاونی‌های سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و اختصاص آن به معیشت و اشتغال و درمان و آموزش تمام جمعیت کشور تأکید می‌کنیم».

موضوع این است که یک نسل جوان و شورشگر به نیروی جنگنده ضد رژیم و سرنگون‌کننده و به جایگزین دموکراتیک و مبارزه برای براندازی رژیم رو آورده است.

تلاش خامنه‌ای برای انحراف جنبش

همگان در موضوع قیام‌ها و جنبش اعتراضی شاهدند که آخوندها سعی می‌کنند اعتراض‌ها را هر قدر که ممکن است، غیرسیاسی و به‌خواست‌های محدود تنزل دهند. تا به‌خصوص با نیروی محوری قیام، یعنی کانون شورشی متصل نشوند. خامنه‌ای بارها تلاش کرده «مطالبات مردم» را به‌قول خودش با «حرکات تخریب‌گرانه یک گروه» تفکیک کند. می‌خواهد جنبش خروشان مردم ایران را در به‌اصطلاح مبارزه مدنی و گلایه‌کردن به‌مسائل حاشیه‌یی محدود کند. در نقطه مقابل، شورای ملی مقاومت - چه در موضع‌گیری‌ها و کوشش‌های نظری و چه در اقدام‌های عملی - مبارزات مردمی را به‌سمت نشانه‌گرفتن بیت خامنه‌ای و تقویت همبستگی ملی علیه هیأت حاکمه سوق داده‌است.

هم‌چنین در مقابل این تاکتیک رژیم که بسیجی و حزب‌اللهی را به‌میان معترضان می‌فرستد تا شعارهای انحرافی رواج بدهند، مقاومت ما به مبارزه سیاسی و نظری با انواع نمایش‌ها برای خالی کردن قیام‌ها از روح سرنگونی برخاست. این مقاومت، دعاوی و شعارهای مروج نه‌جنگ با رژیم که روش‌های به‌اصطلاح مبارزاتی بی‌هزینه را در خدمت بقای ولایت فقیه تبلیغ می‌کند،

در این جا می‌خواهم از کارکرد شورا به‌طور خاص در زمانه‌یی که بحران انقلابی ایران را فرا گرفته، صحبت کنم؛ درمورد نقشه مسیری که خامنه‌ای برای رژیم‌اش در نظر داشت، مسئول شورا از آغاز بر استراتژی انقباضی رژیم، به‌مثابه یک مسیر منجر به‌سرنگونی دست‌گذاشت و تأکید کرد که غیر ممکن است رژیم به تعادل قبلی برگردد. به‌علاوه تئوری پدیده رئیسی جلاد را توضیح داد که «برآمد و بارزترین شاخص دوران سرنگونی است».

در قضیه اتمی، این معضل نظری و سیاسی را باز کرد که با رئیسی وارد مرحله‌یی شده‌ایم که حتی بمب اتمی هم نمی‌تواند این رژیم را نجات بدهد. عنصر ماهوی سرکوب یعنی سپاه پاسداران را برجسته کرد که «ارگان محوری قهر و سرکوب نظامی و ابزار اصلی حفظ دیکتاتوری دینی است. لیست‌گذاری آن کافی نیست و باید منحل شود».

در حیطه مسائل اجتماعی و اقتصادی، شورای ملی مقاومت یک کارزار پیگیر و بی‌وقفه علیه استراتژی شوم خامنه‌ای در قضیه کرونا به‌راه انداخت به‌طوری که مطبوعات حکومتی نوشتند: «جریان معاند تمام تلاش خود را به کار می‌برد... تا در موضوع افزایش آمار مبتلایان و مرگ‌ومیر کرونا، حاکمیت را در رأس مقصران اصلی قرار دهند و به‌تبع آن خامنه‌ای را ناجوانمردانه، مسئول این تلفات معرفی کنند».

شورای ملی مقاومت در کنش و واکنش فعال خود، پیوند ملیت‌های ستم‌زده با مبارزه سراسری را اکیداً تقویت کرد و توجه انظار عمومی را به‌این واقعیت، بیش از پیش جلب کرد که یگانه حامی هموطنان بلوچ و کرد و عرب در سطح سراسری همین جایگزین دموکراتیک است.

در مقابل تصمیم رژیم برای ۴ استانی کردن سیستان و بلوچستان، مقاومت ما این طرح را اقدامی برای «تفرقه‌اندازی در سیستان و بلوچستان» اعلام کرد و از دلیران بلوچ خواست در برابر آن مقاومت کنند.

با طرح تجزیه استان خوزستان و تقسیم آن به دو قسمت قویاً مخالفت کرد و هموطنان خوزستانی را به اعتراض علیه این طرح ترغیب کرد که چیزی جز منحرف کردن توجهات مردم از قیام و تفرقه‌اندازی بین اهالی خوزستان نیست.

این مقاومت، دعاوی و شعارهای مروج نه‌جنگ با رژیم که روش‌های به‌اصطلاح

مبارزاتی بی‌هزینه را در خدمت بقای ولایت فقیه تبلیغ می‌کند، افشا کرد و

خیمه‌شب‌بازی موسمی آلترناتیوهای یکشبه را برملا کرد.

امروز، خواست سرنگونی رژیم که با این شورا و این مقاومت شناخته می‌شود، بر پیشانی جنبش اعتراضی حک شده است.

که هیچ طرفداری ندارد و نیازی نیست که ما دیگر اسمی از مجاهدین ببریم، اما ما نظرم‌ان این نیست و از سال ۱۴۰۰ یک فشار سنگینی به کشورهایی که میزبان گروه‌های مجاهدین هستند وارد شد».

بله، مقاومت ایران آخوندها را به جایی رسانده که از سال‌های سال انکار فریبکارانه پشوانه اجتماعی مجاهدین پشیمان شده و غلط کردم می‌گویند و سرانجام در موضوع وحدت نیروهای خلق در مقابل رژیم ولایت فقیه، مسئول شورا بر اساس تجربه پر رنج و خون مقاومت ایران، این راه‌حل پیشرو و حقیقی را ترسیم کرد که:

«اتحاد و همبستگی، در میدان عمل برای سرنگونی استبداد دینی موضوعیت پیدا می‌کند و محک می‌خورد. این به‌گونه‌ای درون‌جوش و قانونمند، صفوف را تصفیه و از شیخ و شاه، از استبداد و وابستگی، و از فرصت‌طلبی و میوه‌چینی و موج‌سواری، پالایش می‌کند».

پاسخ شایسته بحران ایران

می‌خواهم نتیجه بگیرم که این آلت‌رناتیوی است که ریشه‌هایش در یک نبرد بی‌امان و طولانی با استبداد دینی محکم شده است. نیرویی که در مقابل یک فاشیسم دینی ایستاده، خودش را سازمان داده طرح و برنامه داشته و قیمت ایستادگی را روز به‌روز پرداخته است و در این سال‌ها هر چه شرایط سخت‌تر می‌شود بر تعهدپذیری و جنگندگی‌اش افزوده می‌شود.

هم‌چنین بر مرزبندی‌هایش ایستادگی کرده و بر اصول و ارزش‌های دموکراتیک و آزادی‌خواهانه پا فشرده و آن را از آسیب و گزند دشمن در امان نگه داشته است.

در این زمینه، کوشش‌ها و نقش تاریخی مسئول شورا آموزنده است. اگر نبود این عزم جزم برای ایستادن به هر قیمت در برابر فاشیسم دینی در تمام پهنه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، راستی سرنوشت ایران و مردم ایران با یکه‌تازی استبداد خون‌آشام و مهیب چه می‌شد؟

به‌سرفصل‌ها که نگاه کنیم از سی خرداد تا سه مرداد سالگرد عملیات فروغ‌جاویدان تا شش و هفت مرداد، روزهای ایستادگی مجاهدان اشرفی با دست خالی در برابر حمله مزدوران مالکی و تا هفت مرداد، پرواز مسعود از قلب فرودگاه شکاری تهران، همه این‌ها یک چیز را بازگو می‌کند. این که تاریخچه این مقاومت که پر از سرفصل‌های حیاتی و تصمیم‌گیری‌های پرریسک و پرقیمت بوده، رژیم را به این شکنندگی و استیصال رسانده و این مقاومت و آلت‌رناتیو را در حداکثر تهاجم قرار داده است.

بی‌دلیل نیست که از مسئول شورا تا تک‌تک شما این چنین آماج حملات شیطان‌سازی و دروغ‌پردازی‌های رژیم هستید.

ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های اثبات‌شده شورای ملی مقاومت در جنگ آلت‌رناتیو، به‌این معنی است

افشا کرد و خیمه‌شب‌بازی موسمی آلت‌رناتیوهای یک‌شبه را برملا کرد.

امروز، خواست سرنگونی رژیم که با این شورا و این مقاومت شناخته می‌شود، بر پیشانی جنبش اعتراضی حک شده است.

شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر رئیسی و مرگ بر خامنه‌ای در حرکت‌های اعتراضی رایج شده است. ما بر شعار «مرگ بر خامنه‌ای - مرگ بر رئیسی» به‌عنوان شعار اصلی مردم ایران و شعار فراگیر قیام‌ها برای سرنگونی رژیم تأکید می‌کنیم.

دست‌آورد دیگر پیوندخوردن عملیات کانون‌های شورشی با واکنش مردم مظلوم نسبت به‌ستم و سرکوب و خانه‌خوابی توسط رژیم است. به‌عنوان مثال عملیات کانون‌های شورشی در پاسخ به تخریب ضدانسانی سرپناه مردم توسط مزدوران سرکوبگر خامنه‌ای در زاهدان، خرم‌آباد، بهارستان و رباط کریم. یا پاسخ کانون‌های شورشی به اهانت و ضرب و شتم تنفرانگیز زنان به بهانه خمینی ساخته بدحجابی در مراغه و سایر شهرها یا تهاجم به‌بیدادگاهی که شهید قهرمان نوید افکاری را به‌اعدام محکوم کرد و یا در اعتراض به اعدام جوان شورشی، ایمان سبزی‌کار در جوققان.

با همین رویکرد، کانون‌های شورشی با هدف قرار دادن مستمر حوزه‌های جهل و جنایت و مراکز آخوندپروری، دو واقعیت مهم را برجسته و بارز کرده‌اند؛ یکی بیزاری عموم مردم ایران از بساط دین‌فروشی آخوندهای حاکم و دیگری خواست مردم برای جدایی دین و دولت یعنی همان برنامه‌یی که از ۴۰ سال پیش در طرح‌های شورای ملی مقاومت اعلام شده است.

برنامه این شورا در خصوص برپایی یک جمهوری بر اساس آزادی و دموکراسی و رأی جمهور مردم، جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد و خودمختاری ملیت‌های ستم‌زده بیش از همیشه با اقبال عمومی مواجه شد و شورا در جنگ آلت‌رناتیو یعنی در کشاکش روزمره برای نشان‌دادن ضربه‌پذیری و بن‌بست رژیم و موقعیت سرنگونی به موفقیت‌های بسیار دست یافت و نشان داد که این جایگزین، راه و راه‌حل و چشم‌انداز زنده و عینی است.

روند گسترش کمی و کیفی کانون‌های شورشی از جمله پیام‌های صوتی و تصویری بیش از پنج هزار تن از کانون‌های شورشی یکبار دیگر، پشوانه اجتماعی مقاومت را آشکار کرد.

موضوع این است که یک نسل جوان و شورشگر به نیروی جنگنده ضد رژیم و سرنگون‌کننده و به‌جایگزین دموکراتیک و مبارزه برای براندازی رژیم رو آورده است.

معاون قضاییه جلادان گفت: «در یک برهه‌بی عقیده بر این بود که مجاهدین یک گروه‌کی است

کارزار جهانی علیه معاهدهٔ ننگین دولت بلژیک و رژیم آخوندی برای در بردن دیپلمات‌تروریست رژیم



که یک رشته تضادهای اساسی دربارهٔ سرنوشت خلق و انقلاب و ایران و ایرانی پاسخ شایستهٔ خود را در این جایگزین پیدا کرده است. با وجود این جایگزین، سرنگونی رژیم، آرامش و ثبات و وحدت و تمامیت کشور را نیز در خود دارد.

قیام‌های خروشان چند سال اخیر اثبات کرد که مردم ایران از هموطنان عرب تا هموطنان کرد و بلوچ و ترک و ترکمن و قشقایی و بختیاری، همه اجزای یک پیکر واحدند و در برابر دشمن ایران و ایرانی یعنی ولایت فقیه متحدند. شورای ملی مقاومت بر خودمختاری در چارچوب کشور واحد و تجزیه‌ناپذیر تأکید دارد.

سرانجام این که این جایگزین با مجموعهٔ برنامه‌ها، طرح‌ها، نظرگاه‌ها و به‌خصوص با پیشتازی‌اش در نبرد با رژیم ولایت فقیه هم پاسخ بغرنجی‌های مبارزهٔ امروز و هم راه‌حل مسائل ایران فرداست. یادش به‌خیر دکتر هزارخانی که درست سال گذشته در همین روزها در اجلاس شورا می‌گفت: «وقتی مجاهدین در کارزار سنگین جهانی‌شان علیه خمینی، افق تنگ مقاومت را باز کردند، به‌صراحت گفتم و نوشتم که مجاهدین ذهن جامعهٔ ایران را از قرون وسطی کنند و به دوران حاضر منتقل کردند» ...

با دروذهای بسیار به معمار و برپادارندهٔ این مقاومت که در این شرایط حساس و بغرنج و پیچیده، مجدداً سلسله آموزش‌های نسل جوان را به‌زبان ساده آغاز کرده و تربیت نسلی رویان و شکوفان و جنگنده و پیشتاز را تضمین کرده است.

آلترناتیو شورای ملی مقاومت ثمرهٔ مشقت‌ها و خون جگرهای یک خلق به‌پاخاسته است و در عین حال، زنده‌ترین و عینی‌ترین سندی که پیروزی حتمی مردم ایران را گواهی می‌کند.

وقتی از آلترناتیو صحبت می‌کنیم، یک ادعا یا عنوان کلی نیست که ما به‌ازا و اثری در تلاطم‌های روزمرهٔ نبرد با رژیم نداشته باشد.

بلکه نیرو و ساز و کار شکافنده و هدایت‌گری است که جهت را برای مجموعهٔ فعالیت‌های مبارزاتی مشخص می‌کند و روشن می‌سازد چه گام‌هایی باید برداشت؛ در کدام جهت، با کدام شعار، با چه وحدت و تضادهایی و با کدام اولویت‌ها.

در چهارمین سالگرد طرح شکست‌خورده کشتار بزرگ در گردهمایی مقاومت ایران در ویلپنت پاریس، که منجر به دستگیری و محاکمه دیپلمات تروریست رژیم آخوندی، اسدالله اسدی و سه تن از مزدوران رژیم شد، خبر معامله شرم‌آور بین رژیم آخوندی و دولت بلژیک، برای در بردن اسدالله اسدی از مجازات در تاریخ ۱۰ تیر ۱۴۰۱، منتشر شد.

اسدالله اسدی به ۲۰ سال زندان محکوم شده که ۴ سال آن را گذرانده است. سه مزدور دیگر رژیم، مهرداد عارفانی به ۱۷ سال و نسیمه نعامی و امیر سعدونی هر کدام به ۱۸ سال زندان و هر سه نفر به ابطال تابعیت و پاسپورت‌های بلژیکی‌شان محکوم شده‌اند.

به دنبال این خبر، دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، فراخوان خانم مریم رجوی، به هموطنان، وکلا، شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان پارلمان بلژیک و دیگر پارلمان‌های اروپایی را منتشر کرد.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

در این اطلاعیه آمده است: این یک معامله شرم‌آور برای آزادی اسدالله اسدی دیپلمات تروریست بمب‌گذار و در بردن وی از مجازات است که در چهارمین سالگرد طرح کشتار بزرگ در گردهمایی مقاومت ایران در ویلپنت، پاریس صورت می‌گیرد.

این بمب‌گذاری در شورای عالی امنیت آخوندها با حضور روحانی و ظریف، رئیس‌جمهور و وزیر خارجه وقت رژیم، تصویب و به تایید شخص خامنه‌ای رسیده بود. اسدی دیپلمات تروریست آخوندها در وین، از سوی وزارت اطلاعات مأمور اجرای این طرح شد. وی بمب را با استفاده از مصونیت دیپلماتیک و امکانات سفارت با هواپیمای مسافری از تهران به وین منتقل کرد و در لوکزامبورگ به دو مزدور همدستش برای کارگزاری در گردهمایی مقاومت تحویل داد.

خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، خواستار اقدام فوری عموم نمایندگان پارلمان اروپا و پارلمان‌های کشورهای مختلف اروپایی و کلیه حقوقدانان، وکلا، شخصیت‌های سیاسی و همچنین عموم هموطنان برای ممانعت از آزادی و انتقال دیپلمات تروریست رژیم به ایران شد و افزود اگر طرح بمب‌گذاری و کشتار در گردهمایی مقاومت ایران موفق می‌شد،

چگونه توضیح می‌دهید که با این معاهده به سیاست خارجی حيله‌گرانه (رژیم) ایران مشروعیت می‌بخشید؟ مسلم است که پس از آن، به‌گروگان‌گرفتن افراد بیگناه تسهیل خواهد شد، زیرا عوامل سرویس‌های مخفی و تروریست‌های (رژیم) ایران در نهایت به حکومت آن‌ها تحویل داده خواهند شد.

بنابراین ما سؤالات جدی در مورد این تصمیم دولت بلژیک داریم که تصمیمات یک دادگاه و دادگاه استیناف آنتورپ و ۴ سال کار خستگی‌ناپذیر دادستانی فدرال را به‌سخره می‌گیرد. مهم‌تر از همه، ما نگرانی خود را در مورد عواقب ژئوپلیتیک بالقوه چنین توافقاتی ابراز می‌کنیم. بنابراین ما خواهان آن هستیم که این لایحه فاجعه‌بار در مجلس بلژیک رای به دست نیابد».

توفان اعتراضات جهانی علیه معامله دولت بلژیک با رژیم آخوندی

به‌دنبال کارزار جهانی علیه معامله ننگین با رژیم آخوندی، و اعتراض‌های گسترده نمایندگان پارلمان بلژیک و کنگره آمریکا و سایر کشورها و تظاهرات و اعتراضات مستمر هموطنان در بلژیک و در مقابل سفارت‌های بلژیک در کشورهای مختلف جهان، بحث و رای‌گیری درباره لایحه ارائه شده به پارلمان بلژیک، به‌دلیل مخالفت‌های گسترده دو نوبت به‌تعویق افتاد. روز ۱۴ تیر، خانم مریم رجوی طی پیامی از کلیه هموطنان و پارلمانت‌ها و حقوقدانان و شخصیت‌هایی که در این کارزار شرکت کردند، قدردانی کرد و خواستار ادامه کارزار تا حصول نتیجه نهایی شد.

تظاهرات و راهپیمایی ایرانیان آزاده در بروکسل علیه معامله ننگین بلژیک و رژیم آخوندی

در ادامه کارزار جهانی علیه معامله ننگین با رژیم آخوندی، روز پنجشنبه ۲۳ تیر، یک تظاهرات بزرگ در بروکسل برگزار شد. در تظاهرات بروکسل، شماری از اعضای پارلمان و شخصیت‌های سیاسی بلژیک و نمایندگان پارلمان اروپا و حقوق‌دانان برجسته و اعضا و مسئولین کمیسیون‌های شورای ملی مقاومت سخنرانی کردند.

در تظاهرات بروکسل علیه معامله شرم‌آور دولت بلژیک با فاشیسم مذهبی، سخنرانان ضمن حمایت از خواست تظاهرکنندگان برای لغو این معامله ننگین حمایت خود را از خواست مردم ایران برای آزادی و دموکراسی ابراز کردند.

در این تظاهرات، پیام ویدئویی مریم رجوی خطاب به هموطنان شرکت‌کننده پخش شد.

بزرگترین حادثه تروریستی در اروپا بود و امروز نیز اگر این کار صورت گیرد، دیگر کسی در اروپا در برابر کشتارگران حاکم بر ایران امنیت و مصونیت ندارد. زد و بند و معامله در مورد صدها و هزاران تن دیگر که در گردهمایی در معرض خطر بودند، یک لکه ننگ فراموشی‌ناپذیر است. مقاومت ایران این معامله ننگین با حکومت آخوندی را که بزرگترین مشوق تروریسم و جنایت در خاک اروپاست، قویاً محکوم می‌کند و خواهان توقف آن است.

تظاهرات و تحصن ایرانیان در کشورهای مختلف

به دنبال فراخوان مریم رجوی برای اقدامات فوری جهت ممانعت از فرستادن دیپلمات‌تروریست رژیم به ایران، تظاهرات و تحصن‌های گسترده از سوی هموطنانمان در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا برگزار شد. هم چنین نامه‌ها و بیانیه‌های اعتراضی متعدد از سوی نهادها و شخصیت‌های بین‌المللی برای مقامات دولت بلژیک ارسال شد. وکلا و حقوقدانان شورای ملی مقاومت طی نامه‌یی خطاب به نخست‌وزیر و وزیر خارجه و وزیر دادگستری بلژیک نوشتند:

«... همان‌طور که می‌دانید، سازمان‌دهنده این حملات، اسدالله اسدی در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۱ توسط دادگاه کیفری آنتورپ به‌اتهام اقدام به‌قتل و مشارکت در فعالیت‌های یک سازمان تروریستی به ۲۰ سال زندان محکوم شد. سایر عاملان این سوءقصد (عارفانی) به ۱۷ سال، (نعمی) به ۱۸ سال و (سعدونی) به ۱۸ سال حبس محکوم شدند.

ما از لایحه ۲۹ ژوئن ۲۰۲۲ در ارتباط با قراردادی بین حکومت بلژیک و رژیم ایران درباره مبادله مجرمین که در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۲۲ در بروکسل امضا شده و هم‌چنین پروتکل ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷ که در پروتکل الحاقی کنوانسیون مبادله مجرمین در تاریخ ۱۷ آوریل ۲۰۲۲ تصحیح شده، آگاه شدیم.

این معاهده از این پس، حتی به رژیم ایران اجازه می‌دهد محکومین را عفو کنند! (مجازات‌شان) را لغو کنند یا مجازات‌های تعیین‌شده برای آن‌ها را تخفیف دهند. این پیشنهاد در تضاد شدید با اصلاح اجرای احکام زندان در بلژیک است که وزیر دادگستری به آن افتخار می‌کند.

چگونه به‌مردم بلژیک توضیح می‌دهید که تروریست‌هایی که تنها یک‌پنجم دوره محکومیت خود را گذرانده‌اند، به‌یک دولت تروریستی (که می‌تواند حملات دیگری را برنامه‌ریزی کند)، تحویل داده شوند؟ در حالی‌که بلژیکی‌ها یا افرادی که در بلژیک محکوم شده‌اند حداقل باید یک‌سوم محکومیت خود را در زندان گذرانده باشند؟

پیام مریم رجوی به تظاهرکنندگان در بروکسل



هموطنان، یاران شورشگر!

درود می‌فرستم. به شما منادیان آزادی ایران و پرچمداران کارزار جهانی علیه معاهده شرم‌آور رژیم ولایت فقیه با دولت بلژیک.

معاهده‌بی که محتوا و نام واقعی آن، اعطای مصونیت به تروریسم فاشیسم دینی و آخوندهایی است که در آستانه کشتار بزرگ در پاریس بودند و داشتند بزرگترین حادثه تروریستی در اروپا را رقم می‌زدند.

اما شما و دیگر وجدان‌های بیدار به‌ویژه در پارلمان بلژیک و سایر کشورها، دسیسه را با تلاش و مجاهدت شبانه‌روزی، در فرصتی اندک، به‌طور بین‌المللی افشا و رسوا کردید.

شما تصمیمی را که بزرگترین مشوق تروریسم و جنایت در خاک اروپاست، به‌طور جهانی برملا کردید. برای من پرونده ۱۷ ژوئن تداعی شد. جبهه همبسته ایرانیان آزاده، یک بار دیگر به‌روشنی نشان داد که ایرانیان در همه جای جهان، همان ایرانیان ۲۰ سال پیش و ۴۰ سال پیش هستند و در برابر قربانی کردن آزادی و دموکراسی و حقوق بشر، و پایمال کردن عدالت و حاکمیت قانون، از پا نمی‌نشینند.

مسعود رجوی در این مورد در ۱۰ تیر گفت: «این اهانت به وجدان و شعور بشریت معاصر

به‌ویژه مردم ایران است که دیپلومات تروریست وزارت اطلاعات فاشیسم دینی، محکومیت خود را نزد کسانی بگذرانند که او را به‌همین مأموریت فرستاده‌اند! از بازی با دادگستری و عدالت در بلژیک باید ممانعت شود» و این که «رأی به معامله شرم‌آور و لایحه مورد نظر رژیم ترور و قتل‌عام، کرنش به فاشیسم دینی و جلادان مردم ایران و خیانت به دموکراسی و حقوق بشر است».

به‌علاوه، کارزار علیه سازش و مماشات با تروریسم بی‌حد و مرز فاشیسم دینی حاکم بر ایران، عیناً مانند کارزار افشای تأسیسات و پروژه‌های مخفی اتمی آخوندها، نه فقط دفاع از عالی‌ترین مصالح مردم ایران، بلکه خدمت بزرگی به صلح و امنیت جهان است. مشخصاً در رابطه با بمب‌گذاری در تجمع‌ها و گردهمایی مسالمت‌آمیز سلامت و حفظ جان‌های مردم اروپا را هم شامل می‌شود.

جبهه جهانی علیه مماشات

شما در واقع یک جبهه جهانی علیه این زد و بند برانگیختید:

— سناتور منندز رئیس کمیته خارجی سنای آمریکا اعلام کرد: «یک قرارداد بین بلژیک و (رژیم) ایران بایستی تعهدات بین‌المللی بلژیک را شامل بشود و نمی‌تواند به اسدالله اسدی یا هر بازیگر دیگری که مسئول نقض حقوق بشر و اعمال شنیع تروریسم هستند، مصونیت بدهد. (رژیم) ایران بایستی به‌خاطر حمایت از تروریسم و گروگانگیری به‌عنوان اهرم، مورد مواخذه قرار بگیرد.

— سناتور تدکروز عضو ارشد همین کمیته، این معامله را «بهت‌آور» خواند و گفت آمریکا در مورد توطئه بمب‌گذاری سال ۲۰۱۸ در گردهمایی سیاسی در فرانسه، همکاری کرد تا تروریست‌ها مجازات شوند نه این که آزاد شوند.

— حقوقدانان برجسته بین‌المللی از جمله پروفیسور اریک داوید از بلژیک اعلام کردند: «اجازه‌دادن به این که اسدی (برخلاف قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل) باقیمانده

با این لایحه کسی در برابر کشتارگران حاکم بر ایران امنیت ندارد. پارلمان بلژیک و عموم پارلمان‌ترها در اروپا و حقوقدانان و شخصیت‌های سیاسی را به اقدام فوری برای ممانعت از تصویب آن فرا می‌خوانم
زد و بند و معامله در مورد جان آن‌ها و صدها و هزاران تن دیگر که در گردهمایی در معرض خطر بودند، یک لکه سیاه فراموشی ناپذیر است



کارزار علیه سازش و مماشات با تروریسم بی حد و مرز فاشیسم دینی حاکم بر ایران، عیناً مانند کارزار افشای تأسیسات و پروژه‌های مخفی اتمی آخوندها، نه فقط دفاع از عالی‌ترین مصالح مردم ایران، بلکه خدمت بزرگی به صلح و امنیت جهان است.

بله، برای فاشیسم دینی حاکم بر ایران، اصل موضوع، درهم شکستن اراده ملی در برابر تروریسم در بلژیک و سراسر اروپاست. دلخوش کردن به آزادی گروگان بلژیکی در ایران، یک گام به جلو و ۱۰۰ گام به عقب است چون در آینده دیگر کسی امنیت نخواهد داشت. هر شهروند اروپایی و آمریکایی در ایران نیز، یک گروگان بالقوه است.

چه باید کرد؟

راستی چه باید کرد؟ جواب را مقاومت ما قبلاً داده است. مسعود رجوی ۷۰ روز پیش گفت: «دولت سوئد باید در مقابل گروکشی و شانتاژ (در موضوع احمد رضا جلالی) پیگرد قضایی و محاکمهٔ بلادرنگ رئیسی، جلاد ۶۷ را به جرم جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و نسل‌کشی جلوی رژیم بگذارد». دولت بلژیک هم باید همین کار را می‌کرد و بکند. راستی اگر فردا آخوندها با بمب اتمی همهٔ مردم اروپا را در معرض شانتاژ قرار بدهند، چه

دوران محکومیت ۲۰ سالهٔ خود را در ایران، زیر چتر دولتی که مسئول بمب‌گذاری تروریستی بوده، سپری کند، به‌سخره گرفتن حاکمیت قانون است و موجب مصونیت بیشتر دولت ایران و مقامات درگیر در تروریسم و جنایات علیه بشریت می‌شود.

– همین مفهوم را دقیقاً پروفیسور جان متر، مدیر تلسکوپ فضایی جیمز وب هم خاطرنشان کرد و گفت این «معاهدهٔ غیراخلاقی و رسوا» به‌سخره گرفتن حاکمیت قانون است و تلاش‌های جهان برای مبارزه با تروریسم را به‌شکست می‌کشاند.

– و پروفیسور ریچارد رابرتس و شمار دیگری از نوبلیست‌ها اعلام کردند این معاهده، یک «سابقهٔ خطرناک» ایجاد می‌کند.

نباید ناگفته گذاشت که دادگستری و ضابطین دادگستری بلژیک کار خود را به‌درستی و با دقت بسیار انجام دادند.

گروه‌های پارلمانی از کشورهای مختلف و شخصیت‌های برجستهٔ اروپایی و آمریکایی مانند قاضی موکیزی وزیر دادگستری قبلی، ژنرال جیمز جونز مشاور پیشین امنیت ملی و لوئیس فری مدیر سابق اف‌بی‌آی در همین رابطه نوشتند «این معاهده، کاملاً بی‌احترامی به افسران مجری قانون است که جان خود را برای جلوگیری از حملهٔ ۲۰۱۸ به‌خطر انداختند».

حربهٔ گروگانگیری آخوندها

در برابر همبستگی ایرانیان که از همین بلژیک شروع شد و در برابر کارزار شما و جبههٔ جهانی، حالا نگاه کنید که اهل معامله و مماشات به مظلوم‌نمایی رو آورده و می‌خواهند گروگانگیری اتباع بلژیک در ایران را به حربه‌بی علیه قربانیان تروریسم تبدیل کنند.

در یک سفسطهٔ آشکار، به جای ملامت گروگانگیر و سخت‌گرفتن هر چه بیشتر بر جلاد، می‌خواهند رضایت او را با خون قربانیان دیگر جلب کنند و می‌پرسند چه اشکالی دارد که دیپلمات تروریست را به رژیم می‌که او را به مأموریت بمب‌گذاری فرستاده برگردانیم تا دژخیمان هم متقابلاً گروگان ما را آزاد کنند.

بدینوسیله عملاً آب به آسیاب تئوری «نوع جدید قدرت» ریخته می‌شود. بعد از صدور فتوای قتل سلمان رشدی، جواد لاریجانی دبیر ستاد حقوق بشر در قضاییهٔ آخوندها تحت عنوان نوع جدیدی از قدرت نوشت:

«تاکنون چنین می‌پنداشتند که قدرت سیاسی بر اساس قدرت نظامی و اقتصادی باید تعریف شود... اما فتوای حضرت امام نشان داد سرچشمهٔ قدرت سیاسی غیر از این دو منبع است، منبع اصلی قدرت، تأثیر بر ارادهٔ افراد است».

همچنین از قضات بلژیک به‌خاطر کوشش‌های بسیار برای بررسی پرونده دیپلمات تروریست رژیم و صدور رأی محکومیت او و نیز از نمایندگان پارلمان بلژیک به‌خاطر مخالفت‌های شجاعانه با معاهده ننگین آخوندها صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

کارزار شما اشرف‌نشان‌ها و یاران شورشگر تا همین امروز به اثبات رسانده که وقتی نیروی خلق و مقاومت، آماده و هوشیار است، وقتی که به‌سرعت برق و باد برای دفاع از مصالح مربوط به آزادی و رهایی مردم خود، در میدان نبرد حاضر می‌شود، اوضاع را به‌سود خود دگرگون می‌کند. راستی که شما امتداد قیام‌آفرینان و کانون‌های شورشی در صحنه جهانی هستید.

نبرد در همهٔ پهنه‌های سیاسی و بین‌المللی و حقوقی ادامه خواهد یافت. تمام هموطنان و ایستادگان را به‌یاری می‌خوانم. راهنمای عمل ما، همان اصل اساسی اتکا به‌خود و «کس نخارد» است و با ایمان و اطمینان تمام، می‌گویم وقتی شما همهٔ راه‌ها را تا به‌آخر می‌روید، وقتی خسته نمی‌شوید و دست برنمی‌دارید به‌طور قطع شما پیروز می‌شوید.



خواهید کرد؟ آیا باید زانو زد و کرنش کرد؟ پس درس‌ها و تجارب مماشات و جنگ با فاشیسم هیتلری و هولوکاست و کوره‌های آدم‌سوزی به کجا رفته است؟ سرنگونی این رژیم و برقرار کردن دموکراسی و حاکمیت جمهور مردم، البته کار مقاومت و مردم ایران است. ما این را از کس دیگری نخواستیم و نمی‌خواهیم. اما از نیم قرن پیش، از زمان شاه، خواسته و می‌خواهیم که در طرف دیکتاتوری قرار نگیرید زیرا سرنگونی فاشیسم دینی اجتناب‌ناپذیر است.

راهنمای عمل ما، اصل اساسی «کس نخارد» است

از تمام هموطنان، به‌ویژه استادان، متخصصان، ورزشکاران، هنرمندان، گروه‌های سیاسی ایرانی و همچنین پارلمان‌ترها، حقوق‌دانان، شخصیت‌ها و احزاب سیاسی که به‌خصوص در بلژیک و پارلمان بلژیک به این کارزار پیوسته‌اند، قدردانی می‌کنم. ایستادگی آنان در برابر حراج ارزش‌ها و حکومت قانون، نشانهٔ بیداری وجدان جامعهٔ بشری است.

راهنمای عمل ما همان اصل اساسی اتکا به‌خود و «کس نخارد» است و با ایمان و اطمینان تمام، می‌گویم وقتی شما همهٔ راه‌ها را تا به‌آخر می‌روید، وقتی خسته نمی‌شوید و دست برنمی‌دارید به‌طور قطع شما پیروز می‌شوید.

دادگاه استیناف بروکسل دولت بلژیک را از فرستادن

دیپلمات تروریست بمب‌گذار به ایران به‌طور موقت منع کرد

به‌دنبال کارزار بزرگ مقاومت ایران علیه معاهدهٔ ننگین بلژیک با رژیم ایران، چهارشنبه شب ۲۹ تیر ۱۴۰۱ (۲۰ ژوئیه ۲۰۲۲) در آخرین لحظات قبل از نیمه‌شب، لایحهٔ مربوط به این معاهده، با فشار دولتی در پارلمان بلژیک تصویب شد. در این اجلاس نیز، مانند جلسات قبلی پارلمان و کمیسیون خارجه، شماری از نمایندگان پارلمان بلژیک با بازگرداندن دیپلمات تروریست رژیم آخوندها به ایران، مخالفت کردند.

دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران با صدور اطلاعیه‌یی در این مورد اعلام کرد: کارزار جهانی مقاومت ایران با کمک و همراهی حقوق‌دانان بین‌المللی و احزاب و نمایندگان پارلمان بلژیک و شخصیت‌های سیاسی و قانونگذاران در اروپا و آمریکا برای ممانعت از آزادی و بازگرداندن اسدالله اسدی دیپلمات تروریست بمب‌گذار و مزدوران همدستش به ایران با استفاده از همهٔ راه‌ها و امکانات حقوقی و سیاسی ادامه خواهد یافت.

متعاقباً در روز ۳۱ تیرماه، پیرو شکایت‌های شورای ملی مقاومت و برخی شخصیت‌های سیاسی بین‌المللی، دادگاه استیناف بروکسل دولت بلژیک را از فرستادن دیپلمات تروریست بمب‌گذار به ایران به‌طور موقت منع کرد.

کارزار ایرانیان آزاده در سوئد

هم‌زمان با جلسات دادگاه دژخیم حمید نوری در استکهلم



روز ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱، همزمان با آخرین جلسه محاکمه یکی از دژخیمان قتل عام ۶۷، حمید نوری، در دادگاه استکهلم، هواداران مقاومت و خانواده‌های شهیدان قتل عام که طی ۹ ماه با تحصن و آکسیون‌های روزانه در مقابل دادگاه، در سرما و گرما پایداری کرده بودند، تظاهرات بزرگی در استکهلم برگزار کردند.

مریم رجوی طی پیامی به این تظاهرات، ضمن تقدیر از آنان گفت: درخواست حکم اشد مجازات برای دژخیم حمید نوری، یک مرحله در کارزار بزرگ دادخواهی از جانب شماست. این ثمره تاریخی خون‌های مجاهدان و مبارزان سر موضع در قتل عام است که از شهریور سال ۶۷ آغاز شد. متن پیام خانم رجوی را در صفحات بعد می‌خوانید.





مریم رجوی: پایداری قهرمانان سرموضع در سال ۶۷

شرف ملی و معیار ارزش های مردم ایران

هموطنان عزیز،

دادخواهان، مجاهدان و مبارزان سر موضع و قتل عام شده، یاران مقاومت و احیاگر خون های به ناحق ریخته در فاشیسم دینی که ۹ ماه است با تظاهرات و راه پیمایی بی وقفه خود، جهان را به محاکمه جلادان حاکم بر ایران، به خاطر جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و نسل کشی فرامی خوانید؛

خواهران، برادران و دوستان ایستاده در سنگر دادخواهی، که نگذاشتید طرح و برنامه و ترفندهای وزارت منفور اطلاعات آخوندها برای مصادره و به انحراف بردن جنبش دادخواهی به نتیجه برسد؛ زنان و مردان شجاع و میهن پرست، که آماده و حاضر در پی محاکمه سردمداران رژیم ولایت فقیه در خاک میهن مان هستید و بر آنها نه می بخشید و نه فراموش می کنید؛ گرم ترین سلام ها و درودها به همه شما.

اعلام کشتار زندانیان مجاهد و مبارز در زندان گوهردشت به عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت و درخواست اشد مجازات برای یکی از دژخیمان، یک مرحله در کارزار بزرگ دادخواهی از جانب شماست. این ثمره تاریخی خون های مجاهدان و مبارزان سر موضع در قتل عام است که از شهریور سال ۶۷ آغاز شد.

جنبش دادخواهی از آغاز

از همان ماه های مرداد و شهریور ۶۷، مسعود در نامه ها و تلگرام های متعدد به دبیر کل ملل متحد، این کشتار و به ویژه مفاد فتوا و حکم ننگین خمینی را فاش کرد. این، ۱۲ سال قبل از آن بود که آقای منتظری متن حکم را منتشر کند.

از آن زمان مجاهدین و هواداران شان برای برانگیختن افکار عمومی جهان به اعتصاب ها و تظاهرات در بسیاری کشورها دست زدند. از یاد نمی بریم که در همان شهریور ۶۷، مهرداد ایمن یک هوادار صدیق مجاهدین در تظاهرات نیویورک به نشانه اعتراض خود را به آتش کشید و به شهادت رسید.

در ۳۴ سال گذشته، مقاومت ایران، صدها و هزاران کنفرانس، تظاهرات و راهپیمایی و دادگاه های

سمبلیک مردمی برگزار کرده است. همراه با افشای اسناد و اسامی و مزارهای بی نام و نشان. از اوائل مرداد ۹۵ با اطلاعیۀ خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی فراز تازه ای از جنبش دادخواهی آغاز شد. فعالیت ها در داخل ایران برای جمع آوری اطلاعات جدید به انتشار لیست بیش از پنج هزار مجاهد قتل عام شده انجامید.

جنبش دادخواهی هم چنین در انتخابات ریاست جمهوری رژیم در سال ۹۶ با شعار نه جلد نه شید، نقش به سزایی در رسوایی و شکست آخوند رئیسی ایفا کرد.

موج نامه ها و شکایت خانواده های داغدار از داخل ایران، باعث موضع گیری های بی سابقه ای از جانب نهادهای سازمان ملل از جمله گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران شد. هم چنین باید اشاره کنم به فعالیت های سیاسی و بین المللی گسترده، از جمله برگزاری بیش از ۳۰ کنفرانس بزرگ بین المللی، بیانیه ها و قطعنامه های متعدد از سوی پارلمان ها، از جمله بیانیه بیش از ۲۰۰ نماینده مجلسین انگلستان، بیانیه ۶۰ نماینده پارلمان اروپا، قطعنامه پارلمانی ۴۴۸ در مجلس عوام انگلستان، چند قطعنامه و لایحه و بیانیه در کنگره آمریکا و بسیاری بیانیه ها و قطعنامه های دیگر در پارلمان های کشورهای دیگر که با تلاش بی امان اعضای مقاومت به دست آمد.

در ۳۴ سال گذشته، مقاومت ایران، صدها و هزاران کنفرانس، تظاهرات و راهپیمایی و دادگاه های سمبلیک مردمی برگزار کرده است. همراه با افشای اسناد و اسامی و مزارهای بی نام و نشان.

تا همین جا اثبات شد که همان طور که مقاومت ایران از سال‌ها پیش جهان را به پذیرش آن فرا می‌خواند، اعدام زندانیان سیاسی بر اساس حکم خمینی در سال ۶۷، جنایت علیه بشریت است. دادستان تصریح کرد که در آن دوره زندان گوهردشت به یک کارخانه کشتار تبدیل شده بود.

زندان گوهردشت، کارخانه کشتار

به همه مجاهدان و مبارزانی که بیش از سه دهه است برای این دادخواهی فعالیت و از خودگذشتگی کرده و خون جگر خورده‌اند، درود می‌فرستم؛ از دکتر کاظم رجوی تا آن‌هایی که برای گردآوری اطلاعات این کشتار یا شکایت و اعتراض علیه رژیم دستگیر و شکنجه شدند. و زندانیان مجاهد و مارکسیست که با شهادت‌های دقیق و مسئولانه خود با ذکر جزئیات غیرقابل انکار از حقایق قتل‌عام ۶۷، مستندات ضروری را برای کیفرخواست دادستان فراهم کردند.

تا همین جا اثبات شد که همان طور که مقاومت ایران از سال‌ها پیش جهان را به پذیرش آن فرا می‌خواند، اعدام زندانیان سیاسی بر اساس حکم خمینی در سال ۶۷، جنایت علیه بشریت است. دادستان تصریح کرد که در آن دوره زندان گوهردشت به یک کارخانه کشتار تبدیل شده بود.

نقطه کانونی این پرونده، فتوای خمینی برای اعدام مجاهدین سر موضع است. همان قهرمانانی که با پایبندی به پیمان خود برای آزادی مردم ایران، سرفرازانه به درخیم جواب نه دادند و حاضر نشدند از آرمان و سازمان‌شان دست بکشند. درود بر همه آن‌ها.

محاكمة مسئولان و آمران جنایت بزرگ در ایران

موضوع دیگری که در این محاکمه اثبات شد، اعتبار و صدق شهادت‌های زندانیان مجاهد و افشاگری‌های ۳۴ ساله مجاهدین و شورای ملی مقاومت درباره قتل‌عام است. این شکست بزرگی برای رژیم است که از ابتدا اصل قتل‌عام را انکار می‌کرد.

روند این محاکمه و نتایج آن تا امروز، به این معنی است که توطئه و ترفندهای رژیم علیه جنبش دادخواهی که پس از انکار قتل‌عام به‌مهار کردن آن روی آورده بود، تا حدود زیادی شکست خورده است. در این راستا تظاهرات و اجتماعات ۹ ماهه شما نقش تعیین‌کننده داشته و دارد. به یاد دارید که کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت، نوار صحبت‌های مقیسه و رازینی را منتشر کرد که نشان می‌داد آن‌ها از این مطلع‌اند که برنامه‌یی برای سناریوی مورد نظر اطلاعات آخوندها در کار است. دادستان هم گفت که حمید نوری «قبول کرده که قبل از

سفرش به سوئد ناصرین به او اخطار داده بود».

حالا آخوندها و مزدوران‌شان در برابر سفارت سوئد در تهران جست و خیز کرده و علیه مجاهدین عقده‌گشایی می‌کنند. سفیر احضار می‌کنند و پشت سر هم اخطار می‌دهند و خط و نشان می‌کشند. و ما می‌گوییم که روزگار محاکمه همه مسئولان و آمران جنایت بزرگ در ایران فرا خواهد رسید. خامنه‌ای و رئیسی از همین می‌ترسند.

حماسه پرشکوه تاریخ ایران

درخیمان و مزدورانی که در این توهم بوده یا هستند که می‌توانند با تخریب مزارها و انواع دروغ‌ها قتل‌عام را مخفی یا بی‌اهمیت کنند، سخت در اشتباهند.

پایداری سربهداران سر موضع که با درود به مسعود و به‌نام آزادی به جلادان خمینی «نه» گفتند، حماسه پرشکوه تاریخ ایران است. آن‌ها که فکر می‌کنند می‌توانند این حماسه را ضایع کنند، سخت در اشتباهند. آن‌ها که مذبوحانه تلاش می‌کنند شهادت ۳۰ هزار مجاهد و مبارز را دستاویزی برای توطئه‌چینی علیه مجاهدین و راهبر آن‌ها کنند، سخت در اشتباه‌اند. درخشش این حماسه عظیم جهان معاصر، فداکاری مبهوت‌کننده قهرمانان سر موضع و ارج و منزلت تاریخی خون‌هایشان، امروز شرف ملی و معیار ارزش‌های مردم ایران است، و آخوندها و همدستان‌شان نتوانسته و نخواهند توانست آن را به انحراف بکشند و به تاراج ببرند.

سخن آخر همان تأکید مسعود است که: «رسیدگی به نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در قتل‌عام زندانیان در سال ۶۷ باید علاوه بر گوهردشت به همه زندان‌های خمینی و خامنه‌ای در سراسر ایران از سال ۶۰ تاکنون، تعمیم پیدا کند. وعده ما و فرزندان رشید ایران با سردمداران و جلادان و درخیمان و مزدوران این رژیم، عدالت در دادگاه خلق به‌پاخاسته ایران است».

سخن آخر همان تأکید مسعود است که: «رسیدگی به نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در قتل‌عام زندانیان در سال ۶۷ باید علاوه بر گوهردشت به همه زندان‌های خمینی و خامنه‌ای در سراسر ایران از سال ۶۰ تاکنون، تعمیم پیدا کند. وعده ما و فرزندان رشید ایران با سردمداران و جلادان و درخیمان و مزدوران این رژیم، عدالت در دادگاه خلق به‌پاخاسته ایران است».

اعلام حکم حبس ابد برای حمید نوری

از دژخیمان قتل عام ۶۷ توسط دادگاه سوئد

روز ۲۳ تیر ۱۴۰۱، دادگاه استکهلم، پس از ۹۲ جلسه محاکمه، حکم قاضی دادگاه مبنی بر اشد مجازات (حبس ابد) را برای یکی از دژخیمان قتل عام ۶۷، حمید نوری اعلام کرد. قاضی دادگاه سوئد گفت: این پرونده مربوط به اعدام مجاهدین در قتل عام سال ۶۷ است و هم‌چنین تعدادی از زندانیان مارکسیست که آن موقع اعدام شدند. نتیجه این است که حمید نوری برای جنایت علیه منافع عمومی مجرم شناخته شد. وی افزود: ده‌ها نفر شهادت دادند. نتیجه این است که حمید نوری برای جنایت علیه منافع عمومی مجرم شناخته شد. این جنایت‌ها علیه هواداران مجاهدین در سال ۱۳۶۷ اتفاق افتاد. خمینی فرمان صادر کرد که مجاهدین سر موضع باید اعدام شوند. دادگاه به این نتیجه رسید افرادی که علیه مجاهدین در دادگاه‌های کوتاه حکم صادر می‌کردند و بلافاصله حکم‌شان اجرا می‌شد، از نظر دادگاه اقدامات‌شان نقض وخیم قوانین بین‌المللی است. در روز ۲۳ تیر، حکم دادگاه توسط وکیل مجاهدین، کنت لوئیس، در مقابل دادگاه استکهلم و در جمع هواداران مقاومت و خانواده‌های شهیدان خوانده شد که با ابراز احساسات و موج شادی آنان روبه رو شد.

استقبال مریم رجوی از حکم دادگاه استکهلم

روز ۲۳ تیر، دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران طی اطلاعیه‌ی اعلام کرد: خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران از محکومیت حمید نوری یکی از دژخیمان دست‌اندرکار در نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در سال ۱۳۶۷ توسط قضایه سوئد به حبس ابد استقبال کرد و آن را یک گام اولیه در مسیر دادخواهی کامل خواند و افزود: البته دادخواهی جامع وقتی محقق می‌شود که مسئولان اصلی جنایت به ویژه خامنه‌ای و رئیسی و دیگر آمران و عاملان در دادگاه‌های ایران آزاد یا دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه شوند. آنچه در دادگاه سوئد در ۹۲ جلسه مطرح شد، شمه‌ی از وقایع یک زندان (گوهردشت) از بیش از ۱۰۰ زندان بود که قتل عام در آن‌ها جریان داشت. باید پرونده قتل عام در اوین و جنایت بزرگی که در بیش از ۱۰۰ شهر واقع شده و هم‌چنین پرونده قهرمانی‌های زنان مجاهد در

قتل عام ۶۷ و جنایات دژخیمان در مورد آن‌ها گشوده شود. خانم رجوی با اشاره به اظهارات نیری رئیس هیأت مرگ در تهران که گفت اگر قتل عام نبود «شاید اصلاً نظام نمی‌ماند» خاطرنشان کرد: ماجرای قتل عام، ماجرای رویارویی دیکتاتوری دینی با تنها تهدید موجودیت خودش یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران است. فتوای خمینی برای قتل عام همه مجاهدین سر موضع که حاضر به همکاری با فاشیسم دینی و شراکت در جنایت‌های آن نشده‌اند، هنوز هم ملاک عمل رژیم علیه مجاهدین و مقاومت است. قلع و قمع فیزیکی، سیاسی و ایدئولوژیک آنان همواره در صدر اولویت‌های رژیم بوده است. خانم رجوی افزود: کارزار بزرگ حقوقی، سیاسی و افشاگرانه مقاومت ایران در ۳۳ ماه گذشته و حکم دادگاه، توطئه وزارت اطلاعات و مزدوران‌اش را برای مصادره جنبش دادخواهی علیه مجاهدین سر موضع درهم شکست. شهادت‌های قاطع و اسناد و مدارک متقن شاهدان و شاکیان به‌ویژه در اشرف ۳ که نقش تعیین‌کننده‌ی در اثبات مجرمیت دژخیم داشت، راه در بردن او را بست. به نحوی که اگر دادگاه به آلبانی نمی‌رفت سرنوشت پرونده متفاوت بود. خانم رجوی تأکید کرد: اکنون محاکمه خامنه‌ای و رئیسی بیش از هر زمان ضروری است. دولت سوئد در مقابل گروگان‌گیری و شانتاژ فاشیسم دینی و برای پرهیز از دامی که دولت بلژیک در آن گرفتار شد، بایستی بلادرنگ پیگرد قضایی رئیسی را به عنوان جلد ۶۷ به جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در دستور بگذارد. بیش از ۱۰۰۰ زندانی سیاسی شکنجه‌شده در رژیم خمینی که ۹۰۰ نفر از آن‌ها در آلبانی به سر می‌برند، آماده شکایت هستند.



تظاهرات بزرگ ایرانیان آزاده در استکهلم به مناسبت اعلام حکم حبس ابد برای حمید نوری از دژخیمان قتل عام ۶۷

به مناسبت صدور حکم دادگاه استکهلم، روز ۲۵ تیر، ایرانیان آزاده و خانواده‌های شهیدان، تظاهرات بزرگی را در این شهر برگزار کردند. در این تظاهرات که با راهپیمایی در پایتخت سوئد همراه بود، هموطنان بر ضرورت محاکمه خامنه‌ای، رئیسی و اژه‌ای و سایر مسئولان قتل عام ۶۷، به جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت تاکید کردند. در این تظاهرات، شماری از اعضای پارلمان سوئد، وکیل مجاهدین و تعدادی از شخصیت‌های سیاسی و اعضای شورای ملی مقاومت ایران سخنرانی کردند. در ابتدای این تظاهرات، پیام ویدئویی خانم مریم رجوی خطاب به شرکت‌کنندگان در تظاهرات پخش شد.

تا جام زهر حقوق بشر را به حلقوم رژیم پوسیده ولایت فقیه
نریزیم، از پا نمی‌نشینیم



پیام مریم رجوی به تظاهرات ایرانیان آزاده در استکهلم

هموطنان عزیز،
دوستان و پشتیبانان
مقاومت،
یاران شورشگر!

درود و تبریک به شما که بر سر موضع و عهد و پیمان با شهیدان سربهدار و راه و رسم سازمان و آرمان و راهبر آن همواره آماده و حاضر هستید. بر سر موضع جنگ و ایستادگی در برابر هر آن که بخواهد خون مجاهدین و جنبش دادخواهی آن‌ها را پایمال و به سود جلاد و دژخیم مصادره کند. به راستی آن‌چه در یک سال گذشته در این راستا انجام دادید، خود حماسه‌یی پرخروش و جداگانه است. عزمتان استوار و رزمتان در نبرد با رژیم آخوندی همیشه پایدار.

محاكمة خامنه‌ای و رئیسی

قضایه سوئد بعد از قریب سه سال رای خود را صادر کرد و یک دژخیم، تأکید می‌کنم فقط یک دژخیم از دست اندرکاران نسل‌کشی و جنایت بزرگ علیه بشریت و قتله سربداران ۶۷،

آن‌چه در این دادگاه گذشت، گوشه‌یی از وقایع زندان گوهردشت بود. وای به روزی که فاجعه قتل‌عام در اوین و جنایت بزرگی که در شهرستان‌های مختلف اتفاق افتاده، برملا شود و وای به روزی که پرونده قهرمانی‌های زنان مجاهد در جریان قتل‌عام و جنایات دژخیمان در حق آن‌ها گشوده شود.

در دادخواهی بزرگ مردم ایران، وقتی که رژیم آخوندی به‌دست توانای مردم و مقاومت سرنگون شود، اسرار بزرگترین کشتار زندانیان سیاسی در تاریخ معاصر فاش می‌شود.

را به حبس ابد محکوم کرد.

این البته مغتنم است و نتیجه مجاهدت و جوش و خروش شماسست و جای تبریک دارد. اما دادخواهی تمام‌عیار وقتی محقق می‌شود که مسئولان و آمران و عاملان از خامنه‌ای و رئیسی و نیری و اژه‌ای تا سایرین در دادگاه‌های مردم ایران محاکمه شوند. همراه با شاگردجلادان و مزدورانی که عفو بین‌الملل هم در گزارش خود موضوع همکاری آن‌ها را ثبت کرده است. هیات مرگ مجاهدان زندانی را با این سوال‌ها مواجه می‌کرد:

- آیا حاضرید مجاهدین و رهبران آن را محکوم کنید؟

- آیا آماده‌اید برای جنگیدن با مجاهدین به‌نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ملحق شوید؟

- آیا حاضرید در مورد رفقای سابق‌تان جاسوسی کنید و با مأموران اطلاعاتی همکاری کنید؟

- آیا حاضرید عضو جوخه‌های اعدام شوید؟

- آیا حاضرید یک مجاهد را دار بزنید؟

بله، در دادخواهی بزرگ مردم ایران، وقتی که رژیم آخوندی به‌دست توانای مردم و مقاومت سرنگون شود، اسرار بزرگترین کشتار زندانیان سیاسی در تاریخ معاصر فاش می‌شود. به‌خصوص سؤالاتی که مسعود در ۲۳ بهمن ۱۳۷۴ به گزارشگر حقوق بشر ملل متحد نوشت:

- آمار دقیق زندانیان سیاسی اعدام شده در جریان قتل‌عام و قبل و بعد از آن چقدر است؟

- اجساد در کجا دفن شده‌اند؟

- گورهای جمعی در کجا هستند؟



در نقشه مسیر دادخواهی، اکنون قدم اولیه برداشته شده اما باید تا همه سردمداران رژیم امتداد و ارتقا پیدا کند.

نمی‌ماند... در این شرایط بحرانی باید چه کرد؟ باید حکم قاطعی داد...»
او استیصال رژیم در برابر زندانیان سرموضع را نیز برملا کرد و گفت آن‌ها «انسجام خودشان را داشتند. نه تنها رابطه تشکیلاتی داشتند بلکه تشکیلات جدیدی هم درون زندان به وجود آورده بودند.
از راه‌هایی که می‌دانستند، از بیرون اطلاعات کسب می‌کردند. جو زندان دستشان بود... یعنی عناد خودشان را می‌خواستند ادامه بدهند».

این هیولای قتل و جنایت به همان حقیقتی اذعان می‌کند که شاهدان و شاکیان این دادگاه از قهرمانی‌های مجاهدین سرموضع گفتند که چگونه با آگاهی کامل به خمینی و یادیش نه گفتند و با وفاداری به‌نام و راه و آرمان مجاهدین و مسعود به چوبه‌های دار بوسه زدند.
البته آن‌چه در این دادگاه گذشت، گوشه‌یی از وقایع زندان گوهردشت بود. وای به روزی که فاجعه قتل‌عام در اوین و جنایت بزرگی که در شهرستان‌های مختلف اتفاق افتاده، برملا شود و وای به روزی که پرونده قهرمانی‌های زنان مجاهد در جریان قتل‌عام و جنایات دژخیمان در حق آن‌ها گشوده شود.

- تعداد اعدام‌شدگان کمتر از ۱۸ سال چند نفر است؟

- تعداد زنان به‌ویژه دختران نوباوه چطور؟

- و آمار و آدرس زندان‌های رسمی و غیر رسمی و خانه‌های امن اطلاعات و سپاه و انتظامی.
بله، شما اشرف‌نشان‌ها، شما یاران شورشگر در این سال‌ها و ماه‌ها نشان دادید که برای تحقق چنین روز بزرگی همراه و هم‌صدا با کانون‌های شورشی سر از پا نمی‌شناسید و هر بهایی را که لازم باشد می‌پردازید.

رویارویی مجاهدین و رژیم آخوندی

ماجرای قتل‌عام، ماجرای رویارویی یک رژیم ضدبشری با تنها تهدید موجودیت خودش یعنی سازمان مجاهدین است. فتوای خمینی برای قتل‌عام هنوز هم ملاک عمل رژیم در رویکرد با مجاهدین و مقاومت است. قلع و قمع فیزیکی، سیاسی و ایدئولوژیک مجاهدین از همان سال اول نظام منحوس ولایت فقیه دستور کار این رژیم بوده است.
این حقیقت را اخیراً آخوند سردرخی، حسینعلی نیری رئیس هیات مرگ در تهران به‌صراحت عنوان کرد که «اگر قاطعیت امام نبود، شاید ما اصلاً این امنیت را نداشتیم... شاید اصلاً نظام

نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و قتل‌عام، تأکید می‌کنم دقیقاً با همین اصطلاحات حقوقی، باید در دادگاه‌های کشوری و بین‌المللی و شورای امنیت ملل متحد به ثبت برسد و تحقیق بین‌المللی با حضور نمایندگان مقاومت ایران صورت بگیرد.

جنگ مردم ایران با رژیم، و مقاومت مستقلی که از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ آغاز شده و هیچ ربطی به هیچ دولت و کشور خارجی نداشته و ندارد، با قوت تمام ادامه می‌یابد تا به سرنگونی این رژیم که خواست ملت ایران است، دست یابیم.



دوستان، خواهران و برادران عزیز!

هر چند هنوز راه زیادی در مسیر دادخواهی پیش روی ماست، اما تا همین جا کارزار بزرگ حقوقی، سیاسی و افشاگرانه مقاومت در ۳۳ ماه گذشته که شما نقش بی جایگزینی در آن داشتید، به پیروزی بزرگی رسیده و حکم دادگاه، توطئه "چند وجهی" وزارت اطلاعات و مزدورانش را برای مصادره جنبش دادخواهی علیه مجاهدین سرموضع درهم شکسته است. همان توطئه‌یی که در برگیرنده آماده‌سازی‌های لازم برای تیرئه و آزادی دژخیم نوری نیز بود. شما به‌خاطر می‌آوردید که در ۲۴ آبان سال ۹۸ کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ضمن افشای این توطئه اعلام کرد «ده‌ها مجاهد خلق در اشرف ۳ (که از نزدیک شاهد جنایات این دژخیم بوده‌اند) برای شهادت در باره این صحنه‌ها آماده‌اند. اما خلع ید از ایادی رژیم در پرونده حمید نوری لازمه هرگونه رسیدگی جدی قضایی و عاری از معامله و زد و بند است».

واضح است که اگر دادگاه به آلبانی نمی‌رفت و اسنادی که در اثبات مجرمیت دژخیم، نقش تعیین‌کننده دارد و دادستان هم بارها به آن استناد کرده در کار نبود، سرنوشت پرونده متفاوت می‌شد.

ایستادگی یاران مقاومت

تظاهرات و ایستادگی ۹ ماهه و بی‌وقفه شما در مقابل دادگاه استکهلم، نقش فراموشی‌ناپذیری در این کارزار بزرگ داشت. شما در سخت‌ترین سوز و سرما، به دفاع از هویت و آرمان سربه‌داران قتل‌عام ۶۷ قیام کردید و اجازه ندادید که رژیم و ایادی و مزدورانش، جنبش دادخواهی را هویت‌زدایی کرده و درگل فرو ببرند.

بگذریم که در این پرونده، هنوز هم سؤالات و ابهامات بسیار جدی وجود دارد که بی‌پاسخ مانده و باید رمزگشایی شود. این موارد را کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت و کمیسیون قضایی در اطلاعیه‌ها و گزارش‌ها و کتاب‌هایی که منتشر شده، خاطرنشان کرده‌اند و شکی نیست که حقایق برملا خواهد شد.

وقتی در سال ۱۳۹۵ هم‌زمان با اتمام کار انتقال مجاهدین از لیبرتی به آلبانی، موضوع قتل‌عام ۱۳۶۷ را در اولویت مبرم گذاشتیم و با امکانات و توان مضاعف به آن پرداختیم، من اعلام و بارها تکرار کردم که با عزم صدبرابر جنبش دادخواهی را ادامه می‌دهیم و تا جام زهر حقوق بشر را (مانند جام زهر آتش بس) به حلقوم رژیم پوسیده ولایت فقیه نریزیم، از پا نمی‌نشینیم در نقشه مسیر دادخواهی، اکنون قدم اولیه برداشته شده اما باید تا همه سردمداران رژیم

امتداد و ارتقا پیدا کند.

به صراحت می‌گوییم: نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و قتل‌عام، تأکید می‌کنم دقیقاً با همین اصطلاحات حقوقی، باید در دادگاه‌های کشوری و بین‌المللی و شورای امنیت ملل متحد به ثبت برسد و تحقیق بین‌المللی با حضور نمایندگان مقاومت ایران صورت بگیرد. جنگ مردم ایران با رژیم، و مقاومت مستقلی که از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ آغاز شده و هیچ ربطی به هیچ دولت و کشور خارجی نداشته و ندارد، با قوت تمام ادامه می‌یابد تا به سرنگونی این رژیم که خواست ملت ایران است، دست یابیم. درود بر شما که با ایستادگی خود معادلات را تغییر دادید و باز هم ادامه خواهید داد و تا آخر ایستاده‌اید....

استوار و سرموضع بر عهد و پیمان‌ها
پیش به‌سوی کهکشان‌های فروزان‌تر!

وقتی در سال ۱۳۹۵ هم‌زمان با اتمام کار انتقال مجاهدین از لیبرتی به آلبانی، موضوع قتل‌عام ۱۳۶۷ را در اولویت مبرم گذاشتیم و با امکانات و توان مضاعف به آن پرداختیم، من اعلام و بارها تکرار کردم که با عزم صدبرابر جنبش دادخواهی را ادامه می‌دهیم و تا جام زهر حقوق بشر را (مانند جام زهر آتش بس) به حلقوم رژیم پوسیده ولایت فقیه نریزیم، از پا نمی‌نشینیم



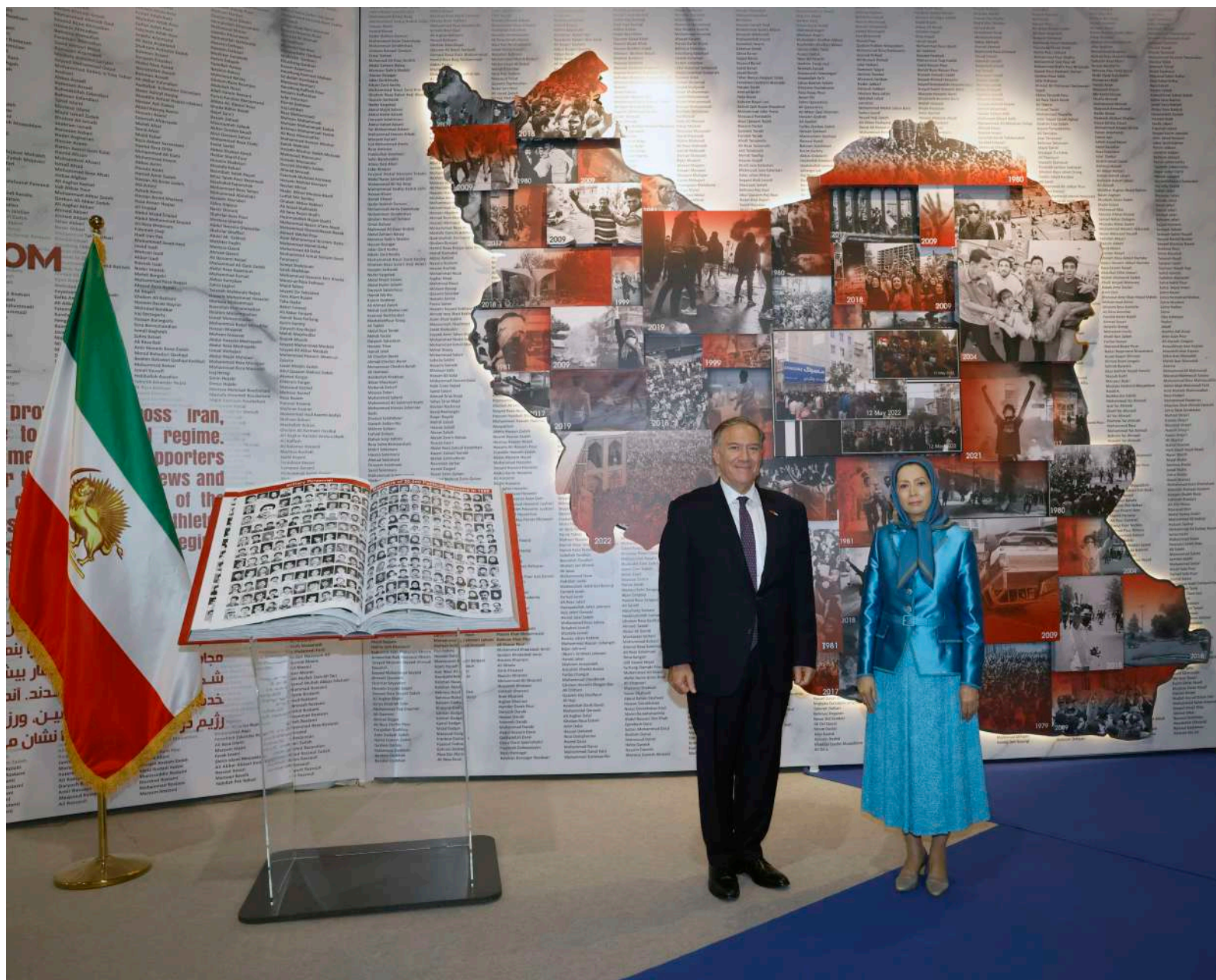
دیدار مایک پمپئو از اشرف ۳

دیدار مریم رجوی با مایک پمپئو



مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا تا ژانویه ۲۰۲۱، که برای نخستین بار به آلبانی سفر کرده بود، بعد از ظهر دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ با مریم رجوی در اشرف ۳ دیدار و گفتگو کرد. پمپئو از موزه مقاومت در اشرف ۳ که گوشه‌هایی از مبارزه و مقاومت مردم ایران در بیش از یک قرن گذشته در برابر دیکتاتوری‌های شاه و شیخ برای یک ایران آزاد و جمهوری دموکراتیک را تصویر می‌کند، بازدید و دفتر یادبود این موزه را امضا کرد. آقای پمپئو در دیدار از اشرف ۳ از قسمت‌های مختلف موزه مقاومت، از جمله غرفه قیام‌های مردمی، کانون‌های شورشی، قتل‌عام زندانیان سیاسی، شکنجه‌های قرون وسطایی و همچنین از سلول‌های سمبلیک زندان اوین و قزل حصار و نیز راهروی مرگ و سالن اعدام در زندان گوهردشت که در موزه مقاومت بازسازی شده، بازدید کرد.

بازدید مایک پمپئو از موزه مقاومت در اشرف ۳





مایک پمپئو در گردهمایی مجاهدان اشرف ۳

«حدود ۱۰۰۰ زندانی سیاسی سابق امروز این جا حضور دارند. مایلم به شما به عنوان یک وزیر خارجه سابق بگویم که آمریکا قدردان است و عمیقاً به شما احترام می گذارد. آن چه شما برای آزادی بر خود هموار کردید، برای ما یادآور چیزی است که کشورمان سال های زیادی پیش از این برای دفاع و تضمین آن به وجود آمد.

من هم چنین مایلم از رئیس جمهور منتخب مریم رجوی قدردانی کنم. تحت رهبری ایشان، شورای ملی مقاومت ایران در حال برپایی ساختار یک جمهوری مستقل و دموکراتیک در ایران است.»

مایک پمپئو

مریم رجوی:

مردم و مقاومت سازمان یافته عامل تعیین کننده در هر تحولی در ایران همان چیزی که به مدت ۴۰ ساله در سیاست غرب فراموش شده است

آقای وزیر!

به اشرف ۳، خانه مردم و مقاومت ایران خوش آمدید. کسانی که در این جا اجتماع کرده اند، امتداد مبارزه ۱۲۰ ساله ایرانیان برای آزادی اند. از جمله هزار زندانی شکنجه شده در دیکتاتوری شاه و دیکتاتوری آخوندها.

در بازدید از موزه مقاومت، شما گوشه‌یی از درد و رنج عظیم مردم ایران و از طرف دیگر مقاومت آن‌ها برای آزادی را به رغم شدیدترین سرکوب مشاهده کردید. از ۴۳ سال قبل یک نبرد سهمگین بین مردم ایران و آخوندها جریان داشته و تا برقراری یک جمهوری دموکراتیک و آزاد ادامه خواهد داشت.

آخوندها سعی کردند یک روز عراق و یک روز هم آمریکا را دشمن جلوه بدهند اما مردم و مجاهدین خلق گفتند دشمن همین‌جا در ایران است.

آخوندها گفتند مجاهدین تروریست، فرقه و

محارب هستند. آن‌ها گفتند که مجاهدین در ایران پایگاه ندارند. این قبیل اتهامات بی اساس زیاد است.

نبرد در ایران امروز با دو خصوصیت ممتاز می شود؛ ضعف حداکثری رژیم از یکسو و خشم و نارضایتی حداکثری مردم از سوی دیگر که نتیجه آن اعتلای مقاومت سازمان یافته است.

مردم و مقاومت سازمان یافته آن‌ها به عنوان عامل تعیین کننده در هر تحولی در ایران، همان

مردم و مقاومت سازمان یافته آن‌ها به عنوان عامل تعیین کننده در هر تحولی در ایران، همان چیزی است که به مدت ۴۰ ساله در سیاست غرب فراموش شده و آخوندها را به آستانه بمب اتمی رسانده است

چیزی است که به مدت ۴ دهه در سیاست غرب فراموش شده و آخوندها را به آستانه بمب اتمی رسانده است.

شما هم چنان که در شهریورماه گذشته گفتید «در طرف درست این جنگ» قرار گرفته‌اید. شما گفتید: «ایران هیچ‌گاه به حکومت دیکتاتوری شاه یا یک رژیم مذهبی باز نخواهد گشت.

مبارزه اصلی، آن مبارزه‌یی است که در خیابان‌ها، مساجد و اذهان مردم ایران وجود دارد. یعنی شکاف بین مردم ایران و اپوزیسیون سازمان‌یافته ایران که دنبال آزادی و دموکراسی است در یک طرف و کلیت رژیم در طرف دیگر. من بیش از یک دهه است که در طرف درست این جنگ قرار گرفته‌ام».

استمالت یا قاطعیت؟

این روزها قیمت نان چندبرابر شده است. در اعتراض به این موضوع، شهرها یکی بعد از دیگری علیه رژیم آخوندی برمی‌خیزند. با یک نگاه به شرایط عینی و جوشش پیام‌ها در ایران امروز، می‌توان چشم‌انداز سرنگونی را در افق دید. مردم تصمیم‌شان را برای مقابله نهایی با رژیم گرفته‌اند.

شما در ژانویه ۲۰۱۹ به درستی گفتید که ما باید با آیت‌الله‌ها مقابله کنیم نه نوازش. این همان چالش بزرگ سیاست درباره ایران در چهاردهه گذشته است:

استمالت یا قاطعیت؟ قرار گرفتن در کنار دیکتاتوری حاکم یا در کنار مردم؟

نتیجه استمالت با فاشیسم دینی همان استراتژی پنج پایتختی است که شما سه سال و نیم پیش با اشاره به وضعیت در عراق و سوریه و لبنان و یمن گفتید.

ما همیشه گفته‌ایم که استمالت و امتیازدادن به این رژیم، نه آن را مهار می‌کند و نه رفتارش را تغییر می‌دهد، بلکه به آن فرصت می‌دهد و آن را در سیاست‌های مخربش جری‌تر می‌کند.

این نادیده گرفتن مردم ایران و مقاومت آن‌ها را نشان می‌دهد. همان حفره‌یی که باعث شد چهارسال پیش در همین ایام، شما به درستی در ۱۲ ماده، شرایط تغییر رفتار این رژیم را معین کنید. اما دنیا دید که آخوندها حتی یکی از این ۱۲ مورد را نپذیرفتند آن‌هم در زمانی که دولت به اصطلاح مدره بر سر کار بود.

غافلگیری غرب در انقلاب ضدسلطنتی و سرنگونی رژیم شاه

شاه در ماه‌های آخر سلطنتش، به کشتار عمومی و حکومت نظامی روی آورد اما نتیجه معکوس شد. خامنه‌ای هم برای سد بستن در برابر قیام‌ها یک جلاد قتل‌عام زندانیان سیاسی را رئیس جمهور رژیم کرد تا بلکه رژیم‌اش را نجات دهد. اما بعد از یکسال به یقین می‌توان گفت خواب

خامنه‌ای تعبیر نشده، رژیم در بن‌بست است و آینده‌یی جز سقوط محتوم ندارد.

به همین دلیل، رژیم برون‌رفت خود را در نابودکردن مقاومت سازمان‌یافته و تنها جایگزین دموکراتیک از طریق سرکوب، تروریسم و شیطان‌سازی می‌بیند و حتی مدعی می‌شود که آلترناتیوی وجود ندارد.

رژیم جنایتکار آخوندی شما را هم جزو اهداف تروریستی‌اش قرار داده است. به نظر من این بیانگر صحت و اهمیت مواضع شما و مدال شرف تاریخی برای هر شخصیتی است که از جانب منفورترین دیکتاتوری جهان هدف قرار گیرد. البته آخوندها این خواب و خیال‌ها را به‌گور خواهند برد.

خواست مقاومت مردم ایران

چند روز قبل دادگاه استیناف آنتورپ بلژیک سه مزدور وزارت اطلاعات رژیم ایران را به‌خاطر تلاش برای بمب‌گذاری در گردهمایی مقاومت ایران در پاریس محکوم کرد. آن‌ها توسط یک دیپلمات تروریست آخوندها فرماندهی می‌شدند که به ۲۰ سال زندان قطعی محکوم شده است. این تروریسم دولتی قبل از هر چیز ترس و وحشت رژیم از مقاومت ایران و آلترناتیو دموکراتیک آن را نشان می‌دهد.

بعد از حکم دادگاه آنتورپ، ماخواستار قطع روابط دیپلماتیک اتحادیه اروپا با رژیم ایران شدیم. ۴۰ سال تجربه نشان می‌دهد که این رژیم دیکتاتوری مذهبی زبانی جز زبان قدرت و قاطعیت نمی‌فهمد.

برای همین کانون‌های شورشی در سراسر کشور گسترش یافته‌اند. در سال گذشته، آن‌ها بیش از ۲۲۳۰ رشته کارزار ضد اختناق را پیش بردند و راه قیام‌ها را هموار کردند. کانون‌های شورشی از بهمن‌ماه در چند رشته کارزار بزرگ، بسیاری از شبکه‌های رادیو و تلویزیون رژیم، وزارت سانسور و وزارت غارت کشاورزان را مختل کردند.

مقاومت ایران هم‌چنین از روز پنجشنبه اطلاعات گسترده و ذیقیمی را که از سازمان زندان‌های رژیم به‌دست آورده، پیاپی برای اطلاع مردم علنی می‌کند.

این همان مقاومتی است که از ۲۰ سال پیش سایت‌های مخفی اتمی و موشکی این رژیم را فاش

با یک نگاه به شرایط عینی و جوشش پیام‌ها در ایران امروز، می‌توان چشم‌انداز سرنگونی را در افق دید. مردم تصمیم‌شان را برای مقابله نهایی با رژیم گرفته‌اند.

دیدار مایک پنس از اشرف ۳



و دنیا را نسبت به آن هشیار کرده است. در غیر این صورت، آخوندها مدت‌ها پیش، بمب اتم را به‌دست آورده بودند.

امروز هم ما هشدار می‌دهیم که نباید تأخیر کرد. می‌گوییم که می‌توان و باید ایران و منطقه و جهان را از شر آخوندهای هسته‌یی خلاص کرد.

اول- با تحریم همه‌جانبه و طرد فاشیسم دینی از جامعه بین‌المللی و قرار دادن این رژیم در ذیل ماده ۴۱ فصل هفت منشور ملل متحد.

دوم- ارجاع پرونده نقض حقوق بشر و تروریسم رژیم آخوندی به‌ویژه قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷ و کشتار خیابانی ۱۵۰۰ تظاهرکننده در قیام آبان ۹۸ به شورای امنیت.

سوم- به رسمیت شناختن مبارزه جوانان شورشگر با سپاه پاسداران و مبارزه عموم مردم ایران برای سرنوشتی رژیم و سرانجام، همان‌طور که شما گفتید «در پایان، مردم ایران یک حکومت دموکراتیک، بر پایه جدایی دین از دولت و جمهوری غیرهسته‌یی خواهند داشت».

زنان و مردانی که این‌جا نشسته‌اند، خود را تا آخرین نفس وقف همین آرمان کرده‌اند.

ما همیشه گفته‌ایم که استمالت و امتیاز دادن به این رژیم، نه آن را مهار می‌کند و نه رفتارش را تغییر می‌دهد، بلکه به آن فرصت می‌دهد و آن را در سیاست‌های مخربش جری‌تر می‌کند.

۴۰ سال تجربه نشان می‌دهد که این رژیم دیکتاتوری مذهبی زبانی جز زبان قدرت و قاطعیت نمی‌فهمد. برای همین کانون‌های شورشی در سراسر کشور گسترش یافته‌اند.



ملاقات مایک پنس و خانم کارن پنس با مریم رجوی

مایک پنس معاون رئیس‌جمهور آمریکا تا ژانویه ۲۰۲۱، بعد از ظهر پنجشنبه ۲ تیر ۱۴۰۱ در اشرف ۳ با مریم رجوی دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار، کارن پنس همسر آقای پنس، همچنین مارک شورت رئیس دفتر و مدیر سابق قانونگذاری کاخ سفید حضور داشتند. در این ملاقات وضعیت بحرانی رژیم، شرایط جوشان جامعه، شدت نارضایتی مردم از گرانی‌های کمرشکن و فجایع حاکمیت آخوندها، اصرار رژیم بر پیشبرد برنامه اتمی و دخالت‌های منطقه‌یی، نقض حقوق بشر، سرکوب و اعدام‌های وحشیانه خامنه‌ای و رئیسی برای مهار اوضاع و هم چنین خیزش‌های فزاینده اجتماعی و کارزارهای اختناق‌شکن کانون‌های شورشی و جوانان شورشگر در ایران، مورد گفتگو قرار گرفت.



بازدید از موزه مقاومت در اشرف ۳

مریم رجوی ضمن قدردانی از مواضع قاطع آقای پنس علیه جنایات آخوندها گفت فاشیسم دینی حاکم که با بحران‌های داخلی و خارجی مواجه است، شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین را تنها تهدید موجودیت خود می‌داند. از این رو علاوه بر بیشترین سرکوب و تروریسم برای نابودی جنبش مقاومت، تمامی امکانات سیاسی و دیپلماتیک و مالی خود را برای شیطان‌سازی و پخش اطلاعات دروغ علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت به خدمت گرفته است.

وی با یادآوری نقش رهبری‌کننده و ابتکارات آقای پنس در مقابله با پاندمی کرونا و تولید واکسن کرونا گفت شما باعث نجات جان بسیاری از مردم جهان شدید. آقای پنس گفت برای من مایه افتخار است که به اشرف ۳ و دیدار شما آمده‌ام، در موزه مقاومت ایران، صحنه‌های شکنجه و اعدام بسیار دردناک است. من فکر می‌کنم همه رهبران سیاسی به‌ویژه در آمریکا، باید این موزه را ببینند تا بدانند در ایران امروز چه می‌گذرد. آقای پنس افزود من قدردان رهبری شما هستم، اعتقاد من این است و دعا می‌کنم که تغییر در ایران هرچه زودتر اتفاق بیفتد. پلانفرم ده ماده‌یی شما تضمین دموکراسی و آزادی در ایران و به سود صلح و آرامش در منطقه است.



ادای احترام در مقابل نماد ۳۰ هزار قهرمان سر به دار در قتل عام ۶۷



مایک پنس:

باعث افتخار ما است که این‌جا باشیم، در خانه هزاران مرد و زن شجاع ایرانی. خانه صلح و شکوفایی. خانه امید برای یک ایران آزاد و دموکراتیک. من بیش از ۵ هزار مایل از خانه‌ام در ایندیانا سفر کرده‌ام تا امروز این‌جا باشم؛ زیرا ما یک آرمان مشترک داریم: آزادی مردم ایران از دهه‌ها استبداد و تولد یک ایران آزاد، صلح‌جو، شکوفا و دموکراتیک...

یکی از بزرگترین دروغ‌هایی که رژیم حاکم به خورد دنیا داده این است که هیچ جایگزینی برای وضعیت موجود وجود ندارد. حال آن که یک جایگزین وجود دارد - یک جایگزین کاملاً سازمان‌یافته، کاملاً آماده، کاملاً واجد شرایط و مورد حمایت مردمی. و بگذارید از مریم رجوی و همه کسانی که این‌جا در اشرف ۳ گردهم آمده‌اند، قدردانی کنم که به مردم خودتان در ایران امید می‌بخشید...

برنامه ده ماده‌یی مریم رجوی برای آینده ایران، آزادی بیان، آزادی اجتماعات، و آزادی هر ایرانی در انتخاب رهبران منتخب خود را تضمین می‌کند. این پایه‌یی است که بر روی آن آینده یک ایران آزاد بنا می‌شود...

رژیم تهران می‌خواهد دنیا را فریب دهد تا باور کند که تظاهرکنندگان در ایران می‌خواهند به دیکتاتوری شاه بازگردند. اما من می‌خواهم به شما اطمینان بدهم ما فریب دروغ‌های آن‌ها را نمی‌خوریم.



شرکت در گردهمایی مجاهدان آزادی در اشرف ۳



مریم رجوی: جامعه ایران آماده تغییر است

آقای معاون رئیس جمهور،

خانم پنس عزیز!

به اشرف ۳ خانه مقاومت ایران خوش آمدید. من می‌خواهم با خاطره‌ی از اشرف نخستین شروع کنم:

در حملات روزهای ۶ و ۷ مرداد سال ۱۳۸۸، ما ۱۳ شهید و ۵۰۵ مجروح داشتیم. که اغلب آن‌ها این‌جا هستند. دو روز بعد، دوستان مقاومت ایران در کنگره آمریکا، قطعنامه ۷۰۴ را ارائه کردند که به اکثریت دو حزبی رسید.

این قطعنامه، کشتار ساکنان اشرف را قویاً محکوم می‌کند، خواستار تضمین سلامت ساکنان می‌شود و از رئیس جمهور آمریکا می‌خواهد «کلیه اقدامات لازم و مناسب برای پایبندی به تعهدات ایالات متحده را تحت قوانین بین‌المللی و وظایف ناشی از توافقنامه با ساکنان اشرف برای تضمین امنیت فیزیکی و حفاظت آن‌ها انجام بدهد».

من فقط اسم چند نفر از امضاکندگان آن قطعنامه را یادآوری می‌کنم:

– مایک پنس از رهبران حزب جمهوریخواه و عضو کمیته خارجی کنگره

– نماینده فقید کنگره جان لوئیس و نمایندگان ادتاووز و شیلا جکسون لی از حزب دموکرات

– قاضی تدپو و روهر باکر و ایلینا رزلهتینن از حزب جمهوریخواه

و حالا بعد از ۱۳ سال، از طرف همه مجاهدین اشرفی می‌گویم: معاون رئیس جمهور، مایک پنس از شما و دوستان‌تان برای متوقف کردن آن کشتار متشکریم.

اما حالا آمدن شما و خانم پنس به اشرف ۳ همزمان شده است با خیزش‌های مردم ایران از اقشار گوناگون در شهرهای مختلف کشور شامل تهران، اهواز، اصفهان، شوش، زنجان و رشت که در حال قیام هستند و کانون‌های شورشی هم در شهرهای شورشی در حال جنگ هستند.

سه روز پیش، آغاز چهل و دومین سال مقاومت ما علیه رژیم آخوندی بود. در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، تظاهرات نیم‌میلیونی مجاهدین در تهران به دستور خمینی به خون کشیده شد و از همان شب، اعدام‌های جمعی حتی بدون پرسیدن اسم اعدام‌شدگان شروع شد.

شما لحظاتی پیش در موزه مقاومت، بخش کوچکی از درد و رنج مردم ایران و مقاومت در مقابل دیکتاتوری آخوندی را مشاهده کردید. در این سالن، هزار زندانی سیاسی شکنجه‌شده در دیکتاتوری سلطنتی و دیکتاتوری دینی حضور دارند. بعضاً حتی ۱۰ تا ۱۲ عضو فامیل خود را از دست داده‌اند.



جامعه ایران آماده تغییر است

اما امروز من می‌خواهم سه نکته را یادآوری کنم:

اول – شرایط عینی جامعه ایران

دوم – آلترناتیو

سوم – شیوه برخورد جامعه بین‌المللی با فاشیسم دینی حاکم بر ایران

شما فتوا و حکم خمینی درباره اعدام همه مجاهدین سر موضع را می‌دانید این، گواه یک مقاومت همه‌جانبه و بی‌وقفه برای یک ایران آزاد و دموکراتیک است. شما به‌درستی در اکتبر گذشته، در واشینگتن گفتید:

«جنایت‌های سال ۶۷ و فتوایی که به قتل عام ۳۰ هزار تن از اعضای مجاهدین خلق ایران انجامید، بر سر اعتقادات و مذهب کسانی بود که به آزادی و رهایی ایران معتقد بودند و آن دینی را نداشتند که برای ستمگران حاکم بر ایران قابل قبول بود».

یکی دیگر از افتخارات مجاهدین این بود که توانستند با ارتش آزادیبخش ملی در سال ۱۳۶۷، خمینی را در جنگ توسعه‌طلبانه‌ی که آن را ۸ سال با شعار فتح قدس از طریق کربلا پیش می‌برد، به قول خودش وادار به خوردن زهر آتش‌بس بکنند. جنگی با یک

این تجربه ایستادگی را امروز در اوکراین هم مشاهده می‌کنیم. راستی اگر مردم اوکراین خود سلاح به‌دست نمی‌گرفتند، چه تضمینی برای حفاظت از کشورشان وجود داشت؟ شرایط خارجی وقتی موثر است که نیروی جنگنده روی زمین، آماده قیمت دادن باشد. کانون‌های شورشی در یک سال گذشته بیش از ۲۳۵۰ کارزار ضد اختناق را که هموارکننده راه قیام‌ها بود، در سراسر ایران پیش بردند.

ثانیاً- مجاهدین با اعتقاد به یک اسلام دمکراتیک، آنتی‌تز مؤثری در برابر ایدئولوژی شوم آخوندها هستند. نگاه کنید که آن‌ها به نام اسلام در همسایگی ایران از عراق تا سوریه و لبنان و فلسطین و یمن چه کرده‌اند.

ولی اسلام ما، استبداد و زن‌ستیزی را رد می‌کند. حقوق ملیت‌های تحت ستم را نادیده نمی‌گیرد. ما راه مسیح و راه موسی و راه محمد را از یکدیگر جدا نمی‌دانیم. این آلترناتیو، با برافراشتن پرچم جدایی دین و دولت، هم راه حل ایران به‌سوی دمکراسی و هم آنتی‌تز پدیده شوم بنیادگرایی اسلامی در کل منطقه است.

رژیم آخوندها بیشترین تلاش را برای پوشاندن همین حقیقت به‌عمل آورده است. شیطان‌سازی مقاومت، سانسور اخبار آن، یا انکار پایگاه مردمی مقاومت برای پوشاندن این حقیقت است. وقتی توهم اصلاح‌طلبی کنار می‌رود، آن وقت شیخ پای شاه نبوده را به میان می‌کشد، تا تفرقه بیندازد و قیام را پاسیو کند.



میلیون کشته و ۲ میلیون معلول و مجروح و ۴ میلیون آواره و بیش از هزار میلیارد دلار خسارت فقط در طرف ایران.

مجاهدین هم چنین از سال ۱۳۷۰، نخستین افشاگر پروژه‌های اتمی رژیم بودند. آن‌ها در سال ۲۰۰۲ با افشای سایت‌های مخفی رژیم آخوندها، جهان را از پروژه بمب‌سازی رژیم آگاه کردند. بدون افشاگری‌های مقاومت ایران، آخوندها سال‌ها پیش به‌بمب دست یافته بودند.

اما امروز من می‌خواهم سه نکته را یادآوری کنم:

اول- شرایط عینی جامعه ایران

دوم- آلترناتیو

و سوم- شیوه برخورد جامعه بین‌المللی با فاشیسم دینی حاکم بر ایران

اولاً- جامعه ایران آماده تغییر و در شرایط تغییر است و دنیا آن را به چشم می‌بیند.

قیام‌ها با شدت در نقاط مختلف کشور جرقه می‌زند. از آن سو، رژیم پاسخی جز سرکوب و اعدام‌های فزاینده یا شکنجه در زندان‌هایش ندارد. مردم ایران حق دارند که به مقاومت برخیزند، مثل جنگ‌های استقلال آمریکا، چون آخوندها به واقع کشور ما را اشغال کرده‌اند. به همین خاطر مردم در شعارهای‌شان می‌گویند: دشمن ما همین جاست دروغ می‌گفت آمریکاست.

مقاومت ایران یک نمونه تاریخی این حقیقت است که ایستادگی یک خلق می‌تواند مسیر تاریخ را به‌سوی آزادی تغییر دهد.



- جامعه بین‌المللی باید مکانیسم ماشه را فعال کند.
- پرونده نقض حقوق بشر و تروریسم این رژیم به‌ویژه قتل عام زندانیان سیاسی و کشتار معترضین در قیام آبان باید به شورای امنیت برود.
- سران رژیم باید به‌خاطر نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.
- اگر این رژیم قصد جنگ‌افروزی ندارد، یک ارتش برایش کافیت. بنابراین سپاه پاسداران باید منحل شود.
- مانند اوکراین، مردم ایران و مقاومت آن‌ها شایسته شناسایی و حمایت بین‌المللی هستند.
- جنگ جوانان شورشگر با سپاه تروریستی پاسداران برای سرنگونی این رژیم باید به رسمیت شناخته شود.

آقا و خانم پنس!

امروز رزمندگان آزادی ایران در برابر دیکتاتوری‌های سلطنتی و دینی از شما در اشرف ۳ استقبال کردند. فردا در ایران آزاد، از شما به‌خاطر ایستادن در کنار مردم و مقاومت ایران استقبال می‌کند.

ولی شما به‌درستی گفتید: «من مطمئنم که از جانب ده‌ها میلیون آمریکایی صحبت می‌کنم و به شما با قاطعیت می‌گویم که مردم آمریکا از هدف شما برای ایجاد یک جمهوری دموکراتیک، سکولار و یک ایران غیراتمی حمایت می‌کنند».

بله، حاکمان تهران در ضعیف‌ترین نقطه خود قرار گرفته‌اند. آن‌ها با خیزش مردم ایران برای تغییر مواجهند. می‌توان و باید ایران و منطقه و جهان را از شر آخوندهای هسته‌یی خلاص کرد. قیام آبان ۹۸ با شهرهای شورشی و خیزش ارتش آزادی راه را به همه نشان داد.

ثالثاً- امروز جهان به‌وضوح می‌بیند که سیاست مماشات با آخوندها شکست خورده است. این رژیمی است که به دیپلماتش بمب می‌دهد تا آن را در گردهمایی مقاومت ایران، با حضور صدها تن از سیاستمداران برجسته بین‌المللی منفجر کند.

این رژیم دوربین‌های آژانس در مراکز اتمی‌اش را از کار می‌اندازد و سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر به کار می‌گیرد.

بله رژیم آخوندی هیچ‌گاه دست‌یابی به سلاح اتمی به‌عنوان ضامن بقای حکومت خود را کنار نگذاشته است. این بخشی از مأموریت رئیسی است. بنابراین:





بازدید پروفیسور ریچارد رابرٹس برنده نوبل پزشکی از اشرف ۳



روز یکشنبه ۵ تیرماه ۱۴۰۱، پروفسور ریچارد رابرتس، دانشمند برجسته و یکی از مهمترین چهره‌های علمی معاصر از اشرف ۳ بازدید و با خانم مریم رجوی ملاقات و گفتگو کرد. پروفسور رابرتس، برندهٔ پیشگام جایزهٔ پزشکی نوبل در رشته فیزیولوژی و داروشناسی در سال ۱۹۹۳ و کاشف ساختمان موزائیکی ژن‌هاست.

ریچارد رابرتس تاکنون در حملات مزدوران رژیم به اشرف و لیبرتی و در سرفصل‌های گوناگون ۲۲ بار به حمایت از مجاهدین برخاسته است.

در این دیدار، پروفسور رابرتس گفت: من بسیار تحت تاثیر کارهای فوق‌العاده‌یی که در این مقاومت انجام داده‌اید، هستم. به طور خاص نقش زنان در جنبش شما بسیار مهم است و فکر می‌کنم که بدون رهبری زنان در چنین موقعیتی نبودید. این یک نمونه فوق‌العاده در جهان است.

مریم رجوی ضمن قدردانی از مقام ممتاز علمی و انسانی پروفسور رابرتس و دفاع مستمر و بی‌دریغ وی از مجاهدین و مقاومت ایران، وضعیت بحرانی رژیم و شرایط اجتماعی در داخل ایران و شدت نارضایتی مردم از گرانی و اعتراضات اجتماعی را توضیح داد. وی گفت: در برابر دیکتاتوری مذهبی که مبلغ نفرت، سرکوب و قدرت‌طلبی است، جنبش ما مبلغ امید، برابری، رهایی و صلح و امنیت برای همه است.

در پایان این دیدار پروفسور رابرتس گفت: من همواره مبلغ علم هستم و زمانی که شما پیروز شوید و به ایران برگردید هر کمکی از دستم بریاید برای شما و مردم ایران خواهیم کرد.

سخنرانی مریم رجوی با حضور پروفیسور ریچارد رابرتس برنده جایزه نوبل پزشکی در گردهمایی مجاهدین در اشرف ۳



استقبال از پروفیسور ریچارد رابرتس یکی از برجسته ترین دانشمندان انساندوست و آزادی خواه دنیای معاصر

«پروفیسور رابرتس: موزه مقاومت یک تجربه شگفتی آور بود و باید آن را به نحوی گسترده تر در دسترس بقیه جهان قرارداد. امید قاطع من بعد از بازدید امروز از موزه این بود که در آینده یی نه چندان دور، بتوانم همه شما را در تهران ملاقات کنم...».

پروفیسور ریچارد رابرتس در اجتماع مجاهدان اشرف

علم و آزادی دو روی سکه واحدی هستند که رهایی بنی نوع انسان را از جبرهای طبیعی و تقدیر کور و اجبارات بنده ساز اجتماعی مد نظر دارد

پروفیسور رابرتس گرامی، کاشف و دانشمند ممتاز، دوست گرانقدر مردم و مقاومت ایران! به اشرف ۳ خانه آزادی مردم ایران خوش آمدید. استقبال از شما و دیدار شما برای من و همه رزمندگان آزادی، برای مجاهدین زندانی و شکنجه شده در دیکتاتوری دینی و دیکتاتوری شاه که در این جا هستند، و برای تمام مقاومت ایران، جای خوشوقتی و افتخار است. این برای ما و مردم ما به یادماندنی است. به خاطر مقام والای علمی شما و به خاطر حمایت از قیام های مردم ایران برای آزادی و مخصوصاً به خاطر دفاع صمیمانه شما، از مجاهدین در اشرف و لیبرتی. در ۷ حمام خونی که طی ۷ سال از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ در مجموع ۱۵۰ شهید و نزدیک به ۱۵۰۰ مجروح بر جا گذاشت، شما از نخستین حمله تا امروز ۲۲ بار جانانه به حمایت



ایران رکورددار فرار مغزها در جهان

کشور ما زمانی مهد بزرگ‌ترین دانشمندان جهان بوده است. از جمله جابر بن حیان، جرجانی، ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، زکریای رازی، خیام، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی و خوارزمی که از بزرگ‌ترین دانشمندان تاریخ گذشته در رشته‌های فیزیک، شیمی، نجوم، پزشکی، ریاضی و علوم طبیعی بوده‌اند. اما سرکوب و آزادی‌کشی و همچنین غارت وسیع دارایی مردم توسط فاشیسم‌دینی، اندازه نمی‌شناسد.

امروز ایران رکورددار فرار مغزها در جهان است. تنها در ۳ سال گذشته حدود ۴ هزار پزشک و ۳۰۰ هزار متخصص با فوق‌لیسانس یا دکترا، شامل ۹۰۰ استاد دانشگاه ایران را ترک کرده‌اند. وقتی خمینی در ایران به قدرت رسید، دانشگاه‌ها مقر اصلی مجاهدین بود. در آن زمان مسعود در دانشگاه صنعتی شریف تحت عنوان «تبیین جهان» درس فلسفه می‌داد. ۱۰ هزار نفر با کارت در این کلاس هفتگی شرکت می‌کردند و متن آموزش‌ها بلافاصله در ابعاد کلان برای استفاده سایر دانشگاه‌ها و هواداران مجاهدین تکثیر می‌شد. اما خمینی تحمل این را نداشت. ۱۴ ماه بعد از این‌که به قدرت رسید، در فروردین ۱۳۵۹،

به‌زیر کشیدن دیکتاتوری‌های شاه و شیخ مهم‌ترین هدف مبارزه مردم ما برای برپایی یک جامعه دموکراتیک و پیشرفته بوده است.



از رزمندگان آزادی و همچنین حمایت از قیام‌های مردم ایران برخاستید.

دروغ بر شما و دوستان‌تان، دیگر برندگان جوایز علمی نوبل که در این کارزار عظیم با شما بودند. تاریخ علم و آزادی چنین دانشمندانی را از یاد نمی‌برد. بلکه اسم آن‌ها را با خط زرین به یاد می‌سپارد. چرا که علم و آزادی دو روی سکه واحدی هستند که رهایی بنی‌نوع انسان را از جبرهای طبیعی و تقدیر کور و اجبارات بنده‌ساز اجتماعی مد نظر دارد. بله، شما پروفیسور رابرتس و ده‌ها دانشمند نوبلیست دیگر راهگشایان و پیشتان‌زان همین مسیر در زمانه ما هستید.

شما مشعل‌ها و چراغ راهنما برای سایر محققان و دانشمندان هستید، آن‌هم در روزگاری که ارزش‌های انسانی از جانب دیکتاتوری‌های سرکوبگر پایمال شده است و در دورانی که رزمندگان آزادی بالاترین فشارها و شکنجه‌ها را برای طولانی‌ترین زمان متحمل شده‌اند.

مبارزه برای برپایی جامعه دموکراتیک

تاریخچه ۵۷ ساله مجاهدین در دو دیکتاتوری سلطنتی و دینی، مبارزه بی‌وقفه برای کسب آزادی و دموکراسی برای مردم‌شان بوده است. از حدود ۱۲۰ سال پیش، مردم ایران برای آزادی و دموکراسی به پا خاسته‌اند. به‌زیر کشیدن دیکتاتوری‌های شاه و شیخ مهم‌ترین هدف مبارزه مردم ما برای برپایی یک جامعه دموکراتیک و پیشرفته بوده است.

در بخش اعظم این دوره، یعنی از ۵۷ سال پیش، مجاهدین در محور جنبش مقاومت در حال مبارزه بوده و هستند. این مقاومت توانسته است یک آلترناتیو دموکراتیک در برابر استبداد حاکم برپا کند. همچنین الگوی زنده و سمت‌دهنده‌ی در مورد اصل جدایی دین و دولت و ارزش برابری زن و مرد خلق کرده است.

در دهه اول این قرن، مجاهدین در اشرف نخستین در محاصره دو دیکتاتوری زیر شدیدترین فشارها به مدت ۱۰ سال پایداری کردند. پایداری در مقابل سرکوب بی‌وقفه‌ی که هدف‌اش نسل‌کشی و انهدام کامل سازمان مجاهدین بود.

وقتی که اشرفی‌ها مورد حمله و کشتار توسط دولت دست‌نشانده خامنه‌ای در عراق قرار گرفتند، شما به همراه صف درخشانی از دانشمندان انسان‌دوست و نخبگان علمی جهان، دبیرکل ملل متحد، دولت آمریکا، اتحادیه اروپا، مقام‌های کشورهای مختلف و نمایندگان پارلمان‌ها را خطاب قرار دادید و صلاحیت علمی و اعتبار و مقبولیت بین‌المللی خود را پشتوانه جنبشی برای دفاع از مقاومت ایران قرار دادید.

می‌خواهند با اورانیوم غنی‌شده بیوشانند و آن‌را بر سریر قدرت حفظ و تثبیت کنند. راستی این چه انرژی صلح‌آمیز و چه علم و دانشی است که سرپایش در دست سپاه پاسداران جهل و جنایت است؟ این چه تحقیق و پژوهشی است که این چنین برای دو دهه باید مخفی بماند و بودجهٔ معلمان و فرهنگیان و دانشگاه‌ها و کارگران و بازنشستگان را ببلعد؟»

آزادی را در سراسر ایران شکوفا می‌کنیم

می‌خواهم از فاجعه‌ی دیگر در حاکمیت آخوندها برایتان بگویم. در پروندهٔ حجیم جنایت‌های این رژیم، قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ جای به‌خصوصی دارد.

خمینی در مورد مجاهدین فتوا داد که هر کس بر «سر موضع» است، یعنی در مواضع خود برای آزادی خلق و میهن‌اش استوار است و حاضر به‌انزجار از سازمان و آرمان و رهبری‌اش نیست، باید اعدام شود. و چنین بود که ۳۰ هزار تن سر به‌دار شدند که ۹۰ درصد آن‌ها از مجاهدین بودند. در صف بی‌انتهای این شهیدان کم نبودند پزشکانی هم‌چون دکتر عادل ملایری، دکتر فرزین نعمتی، دکتر فیروز صارمی، دکتر حمیده سیاحی و دکتر ناهید صدیقی.

در مورد همین کشتار بزرگ، شما در تیر ۱۴۰۰ همراه با ۱۰ تن دیگر از همکاران‌تان در نامه‌ی به دبیرکل ملل متحد، خواستار تشکیل یک کمیتهٔ تحقیق در مورد کشتار زندانیان ۶۷ و نقش رئیسی، رئیس‌جمهور کنونی رژیم، در ارتکاب جنایت علیه بشریت شدید.

مقاومت ما سال‌هاست زیر فشار شکنجه و قتل‌عام و شیطان‌سازی قرار دارد تا از عقاید و مواضع خود دست برداشته و بپذیرد که از آزادی هرگز خبری نخواهد شد. اما ما با خون خود خطاب به آزادی نوشته‌ایم تو را در سراسر ایران شکوفا می‌کنیم!

فکر می‌کنم ما با هم اشتراک نظر داریم که هیچ نیرو و قدرتی در جهان نیست که بتواند جلوی پیشرفت علم و آزادی را بگیرد.

مقاومت ما سال‌هاست زیر فشار شکنجه و قتل‌عام و شیطان‌سازی قرار دارد تا از عقاید و مواضع خود دست برداشته و بپذیرد که از آزادی هرگز خبری نخواهد شد. اما ما با خون خود خطاب به آزادی نوشته‌ایم تو را در سراسر ایران شکوفا می‌کنیم!

تحت عنوان مسخرهٔ انقلاب فرهنگی به یورش و سرکوب وحشیانهٔ دانشگاه‌ها روی آورد. تا روز ۱۲ اردیبهشت، ۱۷ دانشجو کشته و ۲۱۸۰ نفر مجروح شدند. کلاس‌های مسعود هم تعطیل شد. لوموند در ۲۹ مارس ۱۹۸۰ گزارش کرد: هر جمعه بعد از ظهر در این کلاس‌ها ده‌هزار نفر با کارت شرکت می‌کردند و متعاقباً درس‌های فلسفه تطبیقی در این کلاس‌ها، به‌صورت کتاب‌های جیبی در صدها هزار نسخه به فروش می‌رسید و نوارهای ویدئویی آن را هم حدود یک صدهزار دانشجو در ۳۵ شهر بزرگ ایران می‌دیدند.

لوموند نوشت: مجاهدین به‌صورت یک حزب مردمی یکی از متشکل‌ترین سازمان‌های ایران هستند و اگر خمینی نامزدی کاندیدای آن‌ها را در انتخابات ریاست جمهوری با فتوا منتفی نمی‌کرد، «به گفتهٔ شخصیت‌های متفاوت»، آن‌ها میلیون‌ها رأی را به خود اختصاص می‌دادند و از حمایت اقلیت‌های قومی و مذهبی و هم‌چنین از حمایت قسمت مهمی از زنان و جوانان کشور برخوردار بودند که قیومیت روحانیت ارتجاعی را نمی‌خواستند.

چنین بود که خمینی دانشگاه‌ها و مدارس عالی را به خاک و خون کشید و تعطیل کرد و اسم آن کودتای سیاه ضدفرهنگی را «انقلاب فرهنگی» گذاشت!

خمینی در همان زمان گفت: «ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم. ما از دانشگاه (به گفتهٔ او) استعماری می‌ترسیم... دانشگاه‌های ما برای ملت ما مفید نیست. من آن تصمیمی را که شورای انقلاب و رئیس‌جمهور گرفته‌اند راجع به تصفیه دانشگاه، پشتیبانی می‌کنم.

جالب است که بدانید که ۲۰ سال بعد از کودتای سیاه فرهنگی که دانشگاه‌ها دوباره تحت قوانین فاشیسم دینی بازگشایی شدند، بیش از ۴۰ درصد از سهمیهٔ دانشجویانی که به دانشگاه راه می‌یافتند به نیروهای امنیتی رژیم از قبیل بسیج و سپاه و دست‌اندرکاران جنگ ضدمیهنی با عراق اختصاص یافت.

امروز هم دانشگاه‌ها و دانشجویان، تحت سرکوب و کنترل شدید قرار دارند. بخش زیادی از استادان دانشگاه‌ها در فقر بسر می‌برند. این رژیم تاکنون ده‌ها هزار دانشجو و معلم و دانش‌آموز را اعدام کرده است. هم‌اکنون عده‌ی از معلمان فقط به‌خاطر شرکت در اعتراض‌ها به خاطر حداقل حقوق ماهیانه در زندان بسر می‌برند.

آخوندها برای ادارهٔ جامعه از جمله در امور حقوقی و قضایی، اجرای قوانین ارتجاعی هزاره‌های پیشین را به مردم تحمیل می‌کنند. اما برای بقای حکومت پوسیدهٔ خود پیشرفته‌ترین دستاوردهای علمی و تکنولوژیک را برای ساختن بمب اتمی و موشک به‌کار می‌گیرند.

چنان که مسعود گفته است: آخوندها «فقر و فاقهٔ ماهوی یک رژیم ته‌کشیده و مفلوک را

طرح ۱۰ ماده‌یی مریم رجوی برای آینده ایران

۳۰ خرداد ۱۳۹۹

۱- نه به ولایت فقیه. آری به حاکمیت مردم در یک جمهوری با رأی آزاد و کثرت‌گرا.

۲- آزادی بیان، آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و فضای مجازی
انحلال سپاه پاسداران، نیروی تروریستی قدس، لباس شخصی‌ها، بسیج ضد مردمی،
وزارت اطلاعات، شورای انقلاب فرهنگی و همه گشت‌ها و نهادهای سرکوبگر در
شهر و روستا و در مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و کارخانه‌ها.

۳- تضمین آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر
انحلال دستگاه‌های سانسور و تفتیش عقاید، دادخواهی قتل‌عام زندانیان سیاسی،
ممنوعیت شکنجه و لغو حکم اعدام.

۴- جدایی دین و دولت، آزادی ادیان و مذاهب.

۵- برابری کامل زنان و مردان در حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی
و مشارکت برابر زنان در رهبری سیاسی، لغو هرگونه تبعیض، حق انتخاب آزادانه
پوشش، ازدواج، طلاق، تحصیل و اشتغال. منع بهره‌کشی از زنان تحت هر عنوان.

۶- دادگستری و نظام قضایی مستقل طبق معیارهای بین‌المللی مبتنی بر اصل
برائت، حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و استقلال کامل
قضات. الغای قوانین شریعت آخوندی و بیدادگاه‌های انقلاب اسلامی.

۷- خودمختاری و رفع ستم مضاعف از اقوام و ملیت‌های ایرانی طبق طرح
شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران.

۸- عدالت و فرصت‌های برابر در اشتغال و در کسب و کار و بازار آزاد برای تمام
مردم ایران. احقاق حقوق کارگر و دهقان، پرستاران، کارمندان، فرهنگیان و
بازنشستگان.

۹- حفاظت و احیای محیط زیست قتل‌عام‌شده در حکومت آخوندها.

۱۰- ایران غیراتمی، عاری از تسلیحات کشتار جمعی. صلح، همزیستی و
همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌یی.